

To Set the World in Order: Building and Preserving Strong Marriages

A Compilation Prepared by the Research Department
of the Universal House of Justice

August 2023

برای نظم عالم: ایجاد و حفظ پیوندهای مستحکم ازدواج

مجموعه‌ای از منتخبات نصوص مبارکه حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء
و توقیعات حضرت ولی‌امرالله و دستخط‌های بیت العدل اعظم

تهیه شده توسط دایره مطالعه نصوص والواح

اوت ۲۰۲۳

ترجمه دستخط‌های صادره به زبان انگلیسی
توسط هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی انجام شده است

۲ ص	وسیله و سبب اتحاد
۶ ص	ایجاد خانواده‌هایی که عالم را منور نمایند
۱۱ ص	بهترین محیط برای آموختن اصل مشورت
۱۸ ص	مواجهه با چالش‌ها
۴۲ ص	ادعیه و مناجات

وسيله و سبب اتحاد

اذا ارتفع حفيف سدرۃ المنتهى نادت و قالت الحمد لله الذى جعل الاقتران باباً لظهور مظاهر اسمه الرحمن و به تزینت مدائن الذکر و البیان انه هو سرّ البقاء و مستسرّ الامضاء بعد القضاء لاهل الامکان و به جرى سلسيل الحيوان لاصحاب الايقان و الحمد لله الذى جعل التزويج ترويحاً لامره بين العباد و اعلاناً لكلمته فى البلاد....

... لك العناية يا معبود البرية بما جعلت الاقتران سبباً لاتحاد خلقك و اعلاء كلمتك بين عبادك و به آلت بين القلوب و اظهرت مظاهر اسمك المحبوب و به ظهرت الاسرار المستورة خلف قاف قدرتك و اشرفت الارض و السماء بنور عنايتك....

[۱]

(از الواح حضرت بهاء الله)

در میان خلق ازدواج عبارت از ارتباط جسمانیست و این اتحاد و اتفاق موقت است زیرا فرقت جسمانی عاقبت مقرر و محتوم است.

ولکن ازدواج اهل بها باید ارتباط جسمانی و روحانی هر دو باشد زیرا هر دو سرمست یک جامند و منجذب بیک طلعت بيمثال زنده بیک روح اند و روشن از یک انوار این روابط روحانیه است و اتحاد ابدیست و همچنین در عالم جسمانی نیز ارتباط محکم متین دارند ارتباط و اتحاد و اتفاق چون از حیثیت روح و جسم هر دو باشد آن وحدت حقیقی است لهذا ابدیست اما اگر اتحاد مجرد از حیثیت جسم باشد البته موقت است و عاقبت مفارقت محقق.

پس باید اهل بها چون رابطه ازدواج در میان آید اتحاد حقیقی و ارتباط معنوی و اجتماع روحانی و جسمانی باشد تا در جمیع مراتب وجود و در جمیع عوالم الهی این وحدت ابدی گردد زیرا این وحدت حقیقی جلوه‌ئی از نور محبت الله است.

و همچنین اگر نفوسی مؤمن حقیقی شوند ارتباط روحانی یابند و مظهر محبت رحمانی گردند و کل سرمست جام محبت الله شوند البته آن اتحاد و ارتباط نیز ابدیست یعنی نفوسیکه از خود بگذرند و از نقایص عالم بشری تجرد یابند و از قیود ناسوتی منصرف گردند البته پرتو انوار وحدت الهی بتابد و جمیع در عالم ابدی وحدت حقیقی یابند.

[۲]

(حضرت عبدالبهاء، منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، شماره ۸۴)

عقد بهائی ارتباط بین طرفین است و تعلق خاطر بین جهتین ولی باید نهایت دقت بنمایند و بر اخلاق همدیگر واقف شوند و عهد وثیق ارتباط ابدی حاصل شود و مقصد الفت و رفاقت و وحدت و حیات سرمدی باشد....

عقد حقیقی بهائیان اینست که باید بین طرفین روحاً جسماً التیام تام حاصل گردد تا در جمیع عوالم الهی اتحاد ابدی داشته باشند و حیات روحانی یکدیگر را ترقی دهند اینست عقد بهائی.

[۳] (حضرت عبدالبهاء، منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، شماره ۸۶)

بدرگاه حضرت احدیت عجز و لابه گشت که این اقتران سبب سرور قلوب دوستان گردد و الفت ابدی باشد و نتایج و ثمرات سرمدیه حصول پذیرد.

هر ضرری از افتراق حاصل گردد اما از اقتران کائنات همواره نتایج ممدوحه حاصل شود اقتران در ذرات موجودات سبب ظهور فضل و موهبت رحمانست و هر چه رتبه بالاتر رود اهمیّت اقتران عظیمتر گردد سبحان الذی خلق الأزواج کلاً ممّا تنبت الأرض و من انفسهم و ممّا لا یعقلون^۱ علی الخصوص اقتران انسان بانسان بالأخصّ اگر بمحبت حضرت یزدان شود وحدت اصلیه جلوه نماید و محبت رحمانیه تأسس جوید یقین است این اقتران سبب ظهور الطاف حضرت رحمان شود لهذا تهنیت گوئیم و تبریک نمائیم و از عون و عنایت جمال مبارک رجا کنیم که این جشن سبب سرور کلّ باشد و این بزم بوحدت آسمانی تزیین یابد.

[۴] (حضرت عبدالبهاء، منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، شماره ۸۷)

ای دو مؤمن بالله خداوند بی مانند زن و مرد را آفریده که با یکدیگر در نهایت الفت آمیزش نمایند و زندگانی کنند و حکم یک جان داشته باشند زن و مرد دو رفیق و انیس هستند که باید در غم یکدیگر باشند.

چون چنین باشند در نهایت خوشی و شادمانی و آسایش دل و جان در این جهان زندگانی کنند و در ملکوت آسمانی مظهر الطاف الهی گردند و الا در غایت تلخی عمر بسر برند و هر دم آرزوی مردن نمایند و در جهان آسمانی نیز شرمسار باشند.

^۱قرآن مجید ۳۶:۳۶، و مقایسه کنید با ۵۱:۴۹.

پس بکوشید که با یکدیگر مانند دو کبوتر در آشیان آمیزش دل و جان نمائید اینست خوشبختی در دو جهان.

[۵] (حضرت عبدالبهاء، منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، شماره ۹۲)

هو الله

الحمد لله الذي خلق حقائق مزدوجة من تقابل الاسماء والصفات ومركبة من الوجود والماهيات و مستفيضة من شئون متقابلة متوافقة و مرايا متعكسة متشاكلة في جميع الكائنات سبحانه الذي خلق الازواج كلها مما تنبت الارض و من انفسهم و مما لا يعقلون^٢ و جعل الانسان معدن البركة و منبع التكثر في عالم الكيان فبتقابل الاسماء الحسنی و تسابق الصفات العلیاء ظهرت حقائق الاشياء فزدوجت و اجتمعت و اقتربت و اتفقت و اتحدت و تجملت و تكملت فظهرت انوار الوحدة الاصلية في كينونات الحقائق الفرعية.

و لهذه الاسرار حكمة خفية و وردت بها اوامر و تشويقات الهية في النصوص الشرعية و لله الحكم البالغة و الحجة القاطعة و السلطنة النافذة و القوة الكاملة و الانجذابات الجامعة.

و الصلاة و الثناء على الحقيقة الجامعة للحقائق الرحمانية و الدقائق الكونية البرزخ العظيم و الرباط الكريم مجمع البحرين و ملتقى التهرين و نير المشرقين و نور المغربين^٣ الشجرة المباركة و على فروعها و اوراقها و ازهارها و اثمارها و على الذين استظلوا في ظلها و التجأوا الى دوحها.

قد تجلى الرحمن في سيناء الاكوان بنور سطع و ابرق و لاح على مطالع الانفس و الآفاق فائتلفت و استأنست و اقتربت و اجتمعت و انجذبت القابليات و المقبولات و الموجودات و الماهيات ائتلافاً به ظهرت آية التوحيد و ارتفعت راية التفريد و زالت الكثرات و فنت الايتيات و اضمحلت الحدودات.

و اعلاماً لهذه الوحدة الاصلية و اعلاناً لهذه الالفة الروحية بحكمته البالغة و رحمته السابقة قدر النكاح و جعله سبباً للفلاح و علة للنجاح ليكون رمزاً عن تلك الرابطة الرحمانية و اشارة عن تلك الالفة الروحانية و النعمة الملكوتية و الموهبة اللاهوتية.

^٢ قرآن مجيد ٣٦:٣٦.

^٣ مقايسه كنيدي با قرآن مجيد ١٧:٥٥.

فاستبشروا یا اهل البهآء بالالفة الّتی قدّر لکم ربّکم فی عالم العمآء والوحدة المؤسّسة علی دعائم الهدی منها هذه الالفة الّتی وقعت بین الورقة المباركة و الفرع الرفیع والوحدة الّتی ظهرت بین تلك الثمرة الجليلة و الفن البدیع.

فاسئلوا الله ان يجعل هذا الاقتران مبارکاً متیماً مانوساً مسعوداً و یشرح به صدریها و ینعش به قلبیها و یبثّ بهما نفوساً تستقیم علی امر ربّها و تنشر نفحات القدس فی مشارق الارض و مغاربها و تنور الآفاق بنور عرفانها و تعطر الارجآء بفوائح اسرارها و تزین الوجود باسرار السجود لبارئها و مقدّرها و الحمد لله فی مبتدی هذه الالفة و منتهاها.

[۶] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

و اما در خصوص ازدواج بدان امر ازدواج ابدیست تغییر و تبدیل نخواهد یافت این ایجاد الهیست و ایجاد ممکن نیست که تغییر و تبدیل یابد.

[۷] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

در این دور مقدّس چنین مقدّر شده که در میان قرین و قرینه روز بروز محبّت و یگانگی ازدیاد یابد تا حکم یک نفس و یک روح و یک جسم یابند انشاء الله این اراده الهیّه در نهایت کمال در میان شما جلوه نماید.

[۸] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

حمداً لمن خلق مبدء الوجود بنفیض مشهود و جعله مركزاً لمقام محمود و بثّ من ذلك المقام الهيكل البشرى قبائل و اقوام و شعوباً فی كلّ اقطار ثمّ خلق الاشياء مزدوجاً مبتهجا ممتزجاً ممّا تنبت الارض و ممّا یدبّ علیها دیب الحیات من اولی النهی و ذوی العقول حتّى ینموا و یزدادوا و یعبدوا ربّهم مخلصین له بالروح سالکین فی سبیل الرّشاد مرتبین القلب و الفؤاد و جعل هذا العهد الوثیق بین فریق المؤمنین آیه الوجدانیة و الوسيلة الکلیّة فی الارتباط الجسمانیة و الروحانیة فاختر لعباده امآء نورانیة و لاصفیائه و رقّات ربّانیة ... و ألف بین قلوبهما و جعلهما نفساً واحدة حتّى یؤالفا و یؤانسا و یتحدّا و یتفقّا فی جمیع الشؤن و الاحوال.

[۹] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

ای کنیز خدا همسر مهرپرور الحمد لله بظلّ شجرة مبارکه در آمد و از خورشید آسمانی و ماه نورانی اقتباس نور هدایت نمود قرین موافق است و یار صادق لهذا باید نوعی بنمائی که در نهایت سرور و فرح و شادمانی باشد

و بجان و دل راضی و موفق بکامرانی من در حقّ شما دعا نمایم و از فضل و عنایت حق امیدوارم که بنهایت الفت و محبّت زندگانی نمائید و علیک البهّاء الابهی.

[۱۰]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

و بکوشی که سیاه و سفید در یک مجلس مجتمع گردند و در نهایت محبّت و اخوّت با یکدیگر آمیزش کنند تا این نزاع و جدال ما بین سیاه و سفید زائل گردد حتّی باید بکوشید که با یکدیگر اقتران نمایند هیچ سببی بجهت الفت میانه سیاه و سفید اعظم از نفوذ کلمه الله نه و همچنین از اقتران میان این دو فریق و ازدواج بکلی ریشه عداوت قلع و قمع گردد.

[۱۱]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

بهائیان موظّف هستند که اگر متأهل اند، مرتکب زنا نشوند و قبل از ازدواج از روابط جنسی پرهیز نمایند. ازدواج نکردن در دیانت بهائی گناه محسوب نمی شود، اما حضرت بهاء الله ازدواج را به مؤمنین توصیه فرموده اند.

در آیین بهائی، تعلیمی مبنی بر وجود "قرین روح" وجود ندارد. هدف این است که ازدواج به یک دوستی عمیق روحانی منجر شود که در عالم بعد نیز ادامه یابد؛ عالمی که عاری از جنسیت و داد و ستد در ازدواج است. به همین ترتیب، ما باید با والدین، فرزندان، برادران، خواهران و دوستانمان پیوندهای معنوی عمیقی برقرار کنیم که ابدی باشد و نه صرفاً پیوندهای جسمانی در روابط انسانی.

(ترجمه ای از نامه مورّخ ۴ دسامبر ۱۹۵۴ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی

[۱۲]

(از احبّاً)

ایجاد خانواده هایی که عالم را منور نمایند

تزوّجوا یا قوم لیظهر منکم من یدکرنی بین عبادی هذا من امری علیکم اتّخذوه لأنفسکم معیناً.

[۱۳]

(حضرت بهاء الله، کتاب اقدس بند ۶۳)

فلما اراد نظم العالم و اظهار الجود و الکرّم علی الأمم شرع الشرایع و اظهر المناهج و فیها سنّ سنّة النّکاح و جعله حصناً للنّجاح و الفلاح و امرنا به فیما نزل من ملکوت المقدّس فی کتابه الأقدس قوله عزّ کبریائه.

تَرَوُّجُوا يَا قَوْمٍ لِيُظْهَرَ مِنْكُمْ مَنْ يَذْكُرُنِي بَيْنَ عِبَادِي هَذَا مِنْ أَمْرِي عَلَيْكُمْ أَنْ اتَّخِذُوهُ لِأَنْفُسِكُمْ مَعِينًا.

[۱۴]

(از الواح حضرت بهاء الله)

شهد الله أنه لا اله الا هو المقتدر على ما يشاء يحكم في الملك كيف يريد هذا يوم فيه أمر الرحمن بالاقتران ليظهر منه من ينطق ويذكر الله رب ما يرى وما لا يرى ورب العرش العظيم ... البهاء عليك وعلى التي وهبناها اياك ان اشكرا وقولا

لك الحمد يا اله العالم ولك الثناء يا بهاء العارفين.

[۱۵]

(از الواح حضرت بهاء الله)

ای دو اولاد عزیز من اقتران شما چون بسمع من رسید بی نهایت ممنون و مسرور شدم که الحمد لله آن دو طیر باوفا در یک آشیانه لانه نمودند و از خدا خواهم که یک عائله محترمهئی تشکیل نمایند زیرا اهمّیت ازدواج بجهت تشکیل یک عائله پربرکت است تا در کمال مسرت مانند شمعها عالم انسان را روشن نمایند زیرا روشنائی اینعالم بوجود انسانست اگر در اینجهان انسان نبود مانند شجر بی ثمر بود حال امیدوارم که آن دو نفس مانند یک شجر گردند و از رشحات ابر عنایت طراوت و لطافت حاصل نمایند و پر شکوفه و ثمر گردند تا الی الأبد این سلاله باقی و برقرار ماند.

[۱۶]

(حضرت عبدالبهاء، منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، شماره ۸۸)

ای دو مرغ حدائق روحانی حمد کنید موفق باقتران با یکدیگر شدید و آرزوی آن دارید که تأسیس یکعائله مبارکهئی نمائید من نیز بملکوت ابهی عجز و نیاز مینمایم که آن دو حمامه انس را در فردوس عنایت بنگمه و آهنگ آرد تا بابدع الحان بر افنان شجره حیات در تسبیح و تقدیس رب الجنود بسرایند تا سامعین متأثر شوند و بوجد و طرب آیند و از نسیم عنایت اهتزاز جویند و حیات ابدی طلبند و تعمید روحانی خواهند و علیکما البهاء الابهی.

[۱۷]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

از الطاف جمال مبارک امیدوارم که این اقتران مورث روح و ریحان گردد و سبب سرور و حبور یاران و تشکیل عائلهئی بهائی در عرصه ظهور جلوه نماید که سلاله در قرون و اعصار آتیه مظهر فیض و برکت الهیه باشد.

[۱۸]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

و ائى ادعو الله ان يجعل بيتك محلاً لسطوع انوار الهدى و انتشار آيات الله و توقد نار محبته فى قلوب عبیده و امائه فى كل حين و اعلمى ان كل بيت يرتفع منه ذكر الله بالتهليل الى الملكوت الجليل ذلك البيت جنة من جنان الله و روضة من رياض ملكوت الله.

[۱۹]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

تبریک و تهنیت اقتران مینمایم که مبارک و متمن باشد و سبب تسلسل سلاله الى الابد هر اقتران که با کمال ثبوت بر محبت حضرت رحمان باشد البته سبب برکت عظیم گردد لهذا از خدا خواهم که این ازدواج سبب ابتهاج گردد و این ائتلاف علت ظهور الطاف و عليك التحية و الثناء.

[۲۰]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

بعد از اقتران باید با قرین محترم همراه بنشر نفعات الله پردازید تا تأییدات رب الجنود پی در پی رسد بهر دیار که گذر نمائید مانند ابر بهاری فیض بخشید و سبز و خرم نمائید و عليك البهاء الابهی.

[۲۱]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

قد انشرح القلوب لاقترانكما فى يوم مبارک سعيد فى هذا العصر المجید و لا شك ان هذا الاقتران سعيد و مبارک عند اهل الايمان لان كليكما مستظلان فى ظل شجرة الحيات داخلان فى سفينة النجات منجذبان بنفحات رياض الملكوت بتأييد من رب الآيات فما ابرک هذا الاقتران و ما اشرف هذا الالفه و الاجتماع كونا كزوج ورقاء اتخذا و كراً فى اعلى فروع شجرة الحيات فى فردوس الرحمن و فى بطون الليالى و الاسحار يترنمان بابدع الذاكر فى تسبيح ربهما المختار و ائى اسئل الله ان يقدر لكما كل خير و يحييكما حياتاً طيبة و يوفقكما على صالح الاعمال و ينزل البركة على احبائكما و ذوى قرباكما.

[۲۲]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

تأسیس عائله خیلى مهم است تا انسان جوانست از غرور جوانی ملتفت نمیشود ولی چون پیر شد خیلى افسوس میخورد ... در این امر حیات عائله باید مثل حیات ملائک سماء باشد روحانیت و سرور باشد اتحاد و اتفاق باشد مراققت جسمانی و عقلانی باشد خانه منظم و مرتب باشد افکارشان مانند اشعه های شمس حقیقت و ستاره های روشن سماء باشد چون دو مرغ بر شاخسارهای شجر وحدت و یگانگی بسریند همیشه پرفرح و سرور

باشند و سبب سرور قلوب دیگران شوند برای دیگران سرمشق باشند برای یکدیگر محبت صمیمی حقیقی داشته باشند اطفال خود را خوب تربیت نمایند تا سبب افتخار و اشتهاار آن عائله گردد.

[۲۳]

(از خطابات حضرت عبدالبهاء)

یک خانواده بهائی حقیقی به منزله حصن حصینی است که جامعه بهائی به هنگام برنامه‌ریزی فعالیت‌ها می‌تواند بر آن اتکا نماید. اگر ... و ... به یکدیگر شدیداً علاقه‌مندند و مایلند ازدواج کنند، حضرت ولی امرالله نمی‌خواهند که آنها تصور کنند که با این ازدواج خود را از امتیاز خدمت محروم می‌کنند. در حقیقت چنین وصلتی توانایی آنها را برای خدمت به امرالله افزایش خواهد داد. هیچ چیز احسن از آن نیست که جوانان بهائی ازدواج کرده آن طور که مورد نظر حضرت بهاءالله است خانواده بهائی حقیقی تشکیل دهند. مراتب محبت حضرت ولی امرالله را به آنها ابلاغ نمایید.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۶ نوامبر ۱۹۳۲ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی

[۲۴]

(از احباً)

حضرت ولی امرالله برای هر دوی شما در ازدواج آینده‌تان آرزوی سعادت می‌نمایند و امیدوارند که این ازدواج نه تنها برای شما بلکه برای امر مبارک نیز میمنت داشته باشد.

ازدواج بین دو نفس که در این ایام زنده به پیام الهی گشته و حیات خود را وقف خدمت امرش نموده‌اند و برای خیر عالم انسانی می‌کوشند می‌تواند قوه عظیمی در زندگی دیگران باشد و برای سایر احباً و نیز غیر بهائیان سرمشق و مایه الهام گردد.

در مورد سؤال شما که آیا بهائیان باید داشتن اولاد را وظیفه خود بدانند: چون حضرت بهاءالله فرموده‌اند که مقصد اصلی ازدواج آوردن نفوس دیگری به این عالم است که به خداوند خدمت نمایند و به او عشق بورزند، حضرت ولی امرالله معتقدند که شما نباید از انجام این مسئولیت و موهبت رویگردان باشید حتی اگر در میزان و سرعت فعالیت‌های امری شما حد اقل موقتاً دخالتی داشته باشد.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۴ اوت ۱۹۴۳ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به دو نفر

[۲۵]

(از احباً)

یقین بدانید که در تعالیم بهائی دامنه اتحاد خانواده فراتر از رابطه بین زوجین می‌باشد و دارای اهمیت حیاتی است. در آیین بهائی ازدواج نهادی هم روحانی و هم اجتماعی محسوب می‌شود که نه تنها بر زوج و

فرزندان‌شان بلکه بر والدین و پدر و مادر بزرگ‌ها و نوه‌ها و سایر بستگان نیز تأثیر می‌گذارد. این نهاد به راستی بر تمام روابط جامعه اطرافش تأثیرگذار است (یا، در یک جامعه سالم، باید تأثیرگذار باشد).

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۰ ژوئیه ۱۹۹۶ صادر از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۲۶]

(احباً)

اگر اجتماع بزرگ بهائیان را به عنوان مردمانی بنگرد که در حال تقلیب روحانی‌اند و وجه مشخصه آنها اعمال و صفات مرضیه‌شان و ازدواج و حیات خانوادگی پایدارشان می‌باشد که در آن فرزندان با حسن اخلاق و نگرشی روحانی پرورش می‌یابند، طالبان حقیقت مغناطیس‌وار مجذوب امر مبارک خواهند شد و امر تبلیغ شور و نشوری خواهد یافت.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۷ ژوئیه ۱۹۹۹ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۲۷]

(محافل ملی)

پدر و مادر، فارغ از میزان تحصیلات‌شان، موقعیتی مهم و حسّاس برای شکل دادن به پیشرفت روحانی کودکان خود دارند و هرگز نباید توان‌مندی خود را برای تربیت اخلاقی کودکان‌شان ناچیز انگارند. زیرا والدین از طریق یک محیط خانوادگی که آگاهانه با عشق به خداوند، کوشش در جهت اجرای احکام الهی و روح خدمت به امر الله و عدم تعصّب و برکناری از تأثیرات مخرب غیبت ایجاد می‌نمایند، اثری قطعی و حیاتی در پرورش اطفال دارند.

[۲۸]

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۰۰ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان)

اگر قرار است حتی تعداد بیشتری قادر به اجابت دعوت آنان شوند، احباً در بسیاری از جنبه‌های حیات فردی و جمعی خود باید بیش از پیش نمونه‌های درخشانی از تغییراتی شوند که خود مروج آنند. در بستر چارچوب عمل که هادی مساعی آنان برای پیشرفت امر مبارک است احباً می‌توانند به مواردی از جمله تقویت شالوده‌های حیات خانواده پردازند، نهاد مهمی که واحد بنیادی اجتماع است... در جمیع این موارد احباً باید بتوانند حکیمانه مشخص نمایند که چه جنبه‌هایی از فرهنگ‌شان با تعالیم امر مبارک مطابقت دارد و باید گسترش داده شود و چه جنبه‌های مغایری هست که باید کنار گذاشته شود. توانایی‌شان در کمک به پیشرفت مادی و اجتماعی جوامع‌شان نیز حائز اهمیت است در حالی که مراقب‌اند از افتادن در دام‌های سیاست حزبی و کلیه جدل‌های آن دوری جویند. با بروز فزاینده آرمان‌های متعالی امر مبارک در افراد و خانواده‌ها و در جوامع، احباً به تحرکی

سرعت خواهند بخشید که مردم منطقه را به آن سعادت حقیقی که مورد نظر حضرت بهاءالله است نزدیکتر می‌کند.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۹ ژوئیه ۲۰۱۵ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۲۹]

محافل ملی)

این نسل جوان خانواده‌هایی تشکیل خواهند داد که زیربنای جوامعی شکوفا را تضمین خواهد کرد. عشق فزاینده جوانان به حضرت بهاءالله و تعهد شخصی‌شان به انجام موازینی که حضرتش آنان را به رعایت آن دعوت فرموده سبب می‌شود که فرزندان خود را با محبت الله که "با شیر مادر ممزوج شده" پرورش دهند و همواره در ظلّ تعالیم الهی پناه جویند.

(ترجمه‌ای از پیام مورخ ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های

[۳۰]

مشاورین قاره‌ای)

بهترین محیط برای آموختن اصل مشورت

جميع بدانند و در اینفقره بانوار آفتاب یقین فائز و منور باشند انان و ذکور عندالله واحد بوده و هست و مطلع نور رحمن بیک تجلی بر کلّ مجلی قد خلقهنّ لهم و خلقهم لهنّ احبّ الخلق عند الحقّ ارسخهم و اسبقهم فی حبّ الله جلّ جلاله....

باید دوستان حقّ بطراز عدل و انصاف و مهر و محبت مزین باشند چنانچه بر خود ظلم و تعدی روا نمیدارند بر اماء الهی هم روا ندارند آنّه ینطق بالحقّ و یأمر بما ینتفع به عباده و امائه آنّه ولیّ الكلّ فی الدنیا و الآخرة.

[۳۱]

(از الواح حضرت بهاءالله)

در هر گروهی هر چقدر هم که مشورت مشفقانه باشد خواه ناخواه نکاتی پیش می‌آید که توافق نمی‌تواند حاصل شود. این مشکل در محفل روحانی با رأی اکثریت حل می‌شود. ولی وقتی مشورت کننده‌ها فقط دو نفر باشند،

مانند زن و شوهر، رأی اکثریت مفهومی ندارد. لذا گاهی زن باید از خواست شوهر تبعیت نماید و زمانی شوهر باید تابع خواست زن باشد، ولی هیچ یک نباید به ناحق بر دیگری تسلط جوید.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۸ دسامبر ۱۹۸۰ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۳۲]

(محافل ملی)

شما در باره قواعد خاص رفتاری سؤال نموده‌اید که باید بر روابط زن و شوهر حاکم باشد. بیت العدل اعظم مایل به انجام این کار نیستند و معتقدند که هدایت کافی در مجموعه آثار راجع به این موضوع^۴ گنجانده شده است: مثلاً اصل اینکه حقوق تک تک افراد خانواده باید رعایت شود و توصیه اینکه مشورت توأم با شفقت باید اصلی اساسی باشد، تمام مسائل باید با الفت و محبت فیصله یابد، گاهی زن یا شوهر باید از خواست طرف دیگر تبعیت نماید. هر زن و شوهری معین کنند که دقیقاً تحت چه شرایطی متوسل به تسلیم خواهند شد. اگر خدای ناکرده زن و شوهر نتوانند به توافق برسند و این عدم توافق منجر به بیگانگی آنها از یکدیگر گردد، باید با کسانی که مورد اعتماد ایشان هستند و به صداقت و درستی رأی و تشخیص آنها اطمینان دارند مشورت نمایند تا وحدت خانواده را حفظ و تقویت نمایند.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۶ مه ۱۹۸۲ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۳۳]

(احباً)

بیت العدل اعظم نامه مورخ ۷ دسامبر ۱۹۸۴ شما را حاکی از نظرات شوهرتان در باره اختیاراتی که ایشان معتقدند آثار مبارکه در ازدواج به شوهر اعطا نموده است، دریافت کرده‌اند. مقرر فرمودند به شرح زیر مرقوم گردد.

رهنمودهای مربوط به این موضوع که در دسترس احباً قرار گرفته است تأکید بر این دارد که حقوق تک تک افراد خانواده باید رعایت شود، و مشورت توأم با شفقت باید اصلی اساسی باشد، تمام مسائل باید با الفت و محبت فیصله یابد، و گاهی زن یا شوهر باید از خواست طرف دیگر تبعیت نماید. اینکه هر زن و شوهری معین کنند که دقیقاً تحت چه شرایطی متوسل به تسلیم خواهند شد.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲ ژانویه ۱۹۸۵ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۳۴]

(احباً)

^۴ مجموعه "حیات بهائی" که در فوریه ۱۹۸۲ به تمامی محافل روحانی ملی ارسال شد، نسخه جامع تری از این مجموعه در سال ۲۰۰۸ منتشر گردید که در سایت پیام‌ها موجود است.

الگوی کاری هم زنان و هم مردان ممکن است در آینده تغییر کند تا به هر دو اجازه دهد به راحتی در فعالیت‌های حرفه‌ای شرکت کنند بدون اینکه از زندگی خانوادگی غافل گردند.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۱ ژانویه ۱۹۸۸ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۳۵]

احباً)

همان طور که مستحضرید اصل وحدت عالم انسانی در آثار بهائی به منزله محوری توصیف شده که سایر تعالیم حضرت بهاءالله طائف حول آن است. مفهوم این اصل به قدری وسیع و همه‌جانبه است که بر همه ابعاد فعالیت‌های بشری اثرگذارده موجب تغییر و تحول آنها می‌گردد. این اصل مستلزم ایجاد تغییری بنیادین در نحوه ارتباط مردم با یکدیگر و نیز ریشه‌کن کردن عادات دیرینه‌ای است که حقوق طبیعی بشر را که مستلزم رعایت احترام و شرافت انسانی هر فرد می‌باشد انکار می‌کند.

در محیط خانواده، حقوق هر یک از اعضا باید محترم شمرده شود. حضرت عبدالبهاء در بیانی چنین می‌فرمایند:

خویشان را همیشه باید مواظبت نمود که روز بروز ارتباط آنها زیاد شود و حقوق آنها معلوم باشد مثلاً حقوق پدر چه چیز است حقوق پسر چه چیز است کل حقوق خود را بدانند نه آنکه حقوقشان مجهول باشد همچنان که پدر حقوقی گردن پسر دارد پسر نیز حقوقی دارد همین طور مادر و برادر و سایر اقربا و عاقله باید در جمیع کمالات تربیت و ارتباط تام یابد....

اعمال زور از طرف فرد قوی بر علیه فرد ضعیف به منظور تحمیل اراده و رسیدن به امیال شخصی، تخلفی فاحش از تعالیم بهائی است. هیچ کس حق ندارد با توسل به زور یا تهدید به اعمال خشونت، شخص دیگری را به عملی که به انجام آن راضی نیست وادار نماید. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند "ای یاران الهی جبر و عنف و زجر و قهر در این دوره الهی مذموم...". کسانی که به سبب غلیان غیظ و غضب و یا عدم توانایی در مهار کردن خشم و عصبانیت خود، به اعمال خشونت نسبت به دیگران وسوسه می‌شوند، باید متذکر باشند که این رفتار نکوهیده در امر منیع حضرت بهاءالله محکوم شده است.

از جمله نشانه‌های سقوط اخلاقی در نظام اجتماعی رو به زوال کنونی، ازدیاد خشونت در خانواده، افزایش رفتار تحقیرآمیز و ظالمانه نسبت به همسر و فرزند و شیوع آزارهای جنسی است. بسیار مهم است که اعضای جامعه اسم اعظم بسیار مراقب باشند که مبدا به علت شیوع چنین اعمالی به قبول آن تن در دهند. احبای الهی باید همواره متوجه و متذکر باشند که وظیفه ایشان ارائه نمونه‌ای از روش جدید زندگی است، روشی

که خصوصیات شاخص آن پای‌بندی به اصول عالی اخلاقی و احترام به منزلت و حقوق تمامی مردم و احتراز از ظلم و ستم و هر نوع تعدی است.

حضرت بهاء‌الله امر مشورت را وسیله‌ای برای حصول توافق و راهی برای تعیین نحوه عمل مشترک مقرر فرموده‌اند. استفاده از این وسیله بین دو شریک زندگی زناشویی و در خانواده و در حقیقت در جمیع مواردی که احباً در اتخاذ تصمیمات مشترک شرکت می‌کنند لازم است. مشورت مستلزم آنست که تمام شرکت‌کنندگان آرای خود را با آزادی کامل و بدون وا همه از اینکه نظراتشان مورد انتقاد قرار گیرد و یا تحقیر شود بیان نمایند و البته این شرط اولیّه برای موفقیت در مشورت، در محیطی که در آن ترس از خشونت و اهانت وجود داشته باشد قابل حصول نیست.

بعضی از سؤالات شما مربوط به رفتار با زنان است و شایسته است که با توجه به اصل تساوی حقوق رجال و نساء که از تعالیم دیانت بهائی است بررسی گردد. تساوی حقوق زن و مرد امری است به مراتب والاتر از اظهار آرمان‌های قابل ستایش و اصلی است که تأثیر عمیقی بر جنبه‌های مختلف روابط انسانی دارد و باید جزء لاینفکی از حیات خانواده و جامعه بهائی باشد. اجرای این تعلیم مبارک منشأ تغییر و تحوّل در آداب و رسوم است که در طی قرون متمادی مرسوم بوده است. نمونه‌ای از این تحوّلات را در جوابی که از طرف حضرت شوقی افندی به این سؤال عنایت شده که آیا تعالیم بهائی سنت متداوله را که مرد به زن پیشنهاد ازدواج می‌نماید تغییر می‌دهد به نحوی که زن نیز اجازه پیشنهاد ازدواج به مرد را داشته باشد، می‌توان یافت پاسخ چنین است "فرمودند بنویس مساوات تام است امتیاز و ترجیح جائز نه." با گذشت زمان و به تدریج که زنان و مردان بهائی در اجرای کامل تر اصل تساوی حقوق رجال و نساء می‌کوشند، درک و فهم عمیق‌تری از اثرات و نتایج وسیع و همه‌جانبه این تعلیم حیاتی حاصل خواهد شد. حضرت عبدالبهاء در یکی از خطابات خود که متن آن به زبان انگلیسی ثبت شده و مضمون آن به فارسی چنین است می‌فرمایند "تا زمانی که مساوات بین مرد و زن کاملاً تمکّن و تحقق نیافته ممکن نیست عالم انسانی به حدّ کمال ترقی نماید..."

توسّل به زور از طرف مرد به منظور تحمیل اراده‌اش بر زن، تمرّدی فاحش از تعالیم دیانت بهائی است. حضرت عبدالبهاء در بیاناتی که متن آن به زبان انگلیسی ثبت شده و مضمون آن به فارسی چنین است می‌فرمایند:

در قدیم دنیا با زور اداره می‌شد و مرد چون جسماً و فکراً از زن زورمندتر و پرخاش‌جو تر بود بر او غالب و مسلط بود ولی حال وضع در تغییر است. به مرور اعمال زور و عنف، غلبه خود را از دست می‌دهد و هوشیاری، فراست فطری و خصائل روحانی محبت و خدمت که در زن قوی است، تفوق و برتری می‌یابد.

مردان بهائی این فرصت را دارند که به دنیای اطراف خود چهره جدیدی از روابط زن و مرد را که در آن توسل به زور و تعرض از بین رفته و هم‌کاری و مشورت جای‌گزین آن شده است نشان دهند. بیت العدل اعظم در جواب به سؤالات واصله فرموده‌اند که در روابط زناشویی، زن و شوهر هیچ یک نباید هرگز به ناحق دیگری را تحت سلطه خود در آورد. اگر از طریق مشورت توافق حاصل نشود، گاهی زن یا شوهر باید از خواست طرف دیگر تبعیت نماید، هر زن و شوهری باید خود تصمیم بگیرند که دقیقاً تحت چه شرایطی چنین تبعیتی باید صورت گیرد.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۴ ژانویه ۱۹۹۳ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۳۶]

احباً)

مسئله‌ای که مطرح کرده‌اید برای زن و شوهرهای بهائی که با نیازها و فرصت‌های موجود در جامعه امروز رو به رو هستند بسیار مهم است. مانند بسیاری از جنبه‌های دیگر زندگی روزانه، راه حل این مسئله را باید در فهم و به کارگیری تعالیم امر مبارک جستجو نمود. احباً باید این واقعیت را کاملاً درک کرده بدون ناراحتی بپذیرند که راه حل‌های حاصله ممکن است از نقطه نظر کسانی که به موهبت قبول موعود الهی فائز نشده‌اند و در چنگال افکاری اسیرند که هرچند وسیعاً مورد قبول اهل عالم است ولی با تعالیم بهائی مغایرت دارد، ناقص و نارسا باشد.

آنچه در بررسی این موضوع باید مخصوصاً به آن توجه داشت هدفی است که مؤمنین به حضرت بهاء‌الله در زندگی دارند و آن شناسایی و پرستش خداوند است. این هدف مستلزم خدمت به هم‌نوع و خدمت در جهت پیشرفت امر الهی است. در تعقیب این هدف، بهائیان باید کوشش نمایند تا با استفاده از طرق موجود تا حد امکان استعدادها و قابلیت‌های خود را پرورش دهند.

بر اثر محدودیت‌هایی که در این عالم خاکی وجود دارد، احباً در بسیاری از موارد خود را از پرورش کامل استعدادهای خویش محروم می‌بینند. این محرومیت ممکن است از فقدان منابع اقتصادی یا نبودن امکانات تحصیلی و یا لزوم انجام تعهدات و وظایف دیگری مانند مسئولیت‌های زندگی زناشویی و وظایف خانوادگی که آزادانه اختیار نموده‌اند، ناشی شده باشد. در بعضی موارد ممکن است علت آن تصمیم آگاهانه برای فداکاری در راه امر الله باشد مانند وقتی که یک مهاجر برای خدمت در محلی مستقر می‌شود که فاقد امکانات لازم برای پرورش استعدادها و قابلیت‌های خاص اوست. اما این محرومیت‌ها و محدودیت‌ها به معنای این نیست که این دوستان قادر نیستند مقصد اصلی حیات روحانی خود را تحقق بخشند بلکه صرفاً عنصری از یک چالش عمومی برای سنجش و ایجاد تعادل در صرف وقت و انرژی برای رسیدگی به امور گوناگون زندگی است.

چون موقعیت افراد بسیار متفاوت است، هیچ گونه پاسخ کلی برای پرسش‌های شما در مورد تصمیم‌گیری زن و شوهرهای شاغل که با دنبال کردن حرفه خود ظاهراً دوراه جداگانه را طی می‌کنند وجود ندارد. هر زن و شوهری باید با اتکا به فرایند مشورت بهائی تصمیم بگیرند که بهترین راه برای آنها چیست و در انجام این کار می‌توانند از جمله عوامل زیر را در نظر بگیرند:

- توجه به اصل تساوی که باید راهنمای مشورت میان زن و شوهر باشد.
- بیت العدل اعظم الهی در پاسخ به سؤالات قبلی متذکر شده‌اند که مشورت توأم با شفقت باید اصل اساسی رابطه زناشویی باشد. اگر حصول توافق ممکن نباشد، گاهی زن یا شوهر باید از خواست طرف دیگر تبعیت نماید. اینکه دقیقاً در چه وضع و موقعیتی چنین تبعیتی باید صورت گیرد امری است که به تصمیم هر زوج بستگی دارد.
- تأکید بسیار در آثار بهائی بر حفظ پیوند زناشویی و تحکیم اتحاد بین دوشریک زندگی.
- مفهوم یک خانواده بهائی که در آن مادر اول مربی فرزندان به شمار می‌رود و پدر مسئولیت اصلی تأمین معیشت خانواده را بر عهده دارد.
- همان طور که بیت العدل اعظم در موارد دیگر متذکر شده‌اند این امر به هیچ وجه بدان معنا نیست که این وظایف ثابت و تغییرناپذیرند و نمی‌توان آنها را بر حسب نیاز و شرایط خانواده تبدیل و تعدیل نمود.
- موقعیت‌های خاص مختلفی که ممکن است پیش بیاید، مانند: امکانات شغلی در زمانی که بی‌کاری عمومی رواج دارد، فرصت‌ها و یا توانایی‌های استثنایی که ممکن است یکی از طرفین ازدواج دارا باشد و یا نیازهای مبرم امر الله که ممکن است مستلزم فداکاری احباً باشد.
- موقعیت چنین مشورتی بدون شک به میزان توسل به دعا و مناجات و توجه قلبی به درگاه الهی، احترام متقابل زن و شوهر به یکدیگر، آرزوی خالصانه آنها برای یافتن راه حلی که باعث حفظ اتحاد و هماهنگی بین آنها و سایر اعضای خانواده گردد و آمادگی آنان برای مصالحه و سازش در چارچوب تساوی، بستگی خواهد داشت.
- هم‌چنان که اجتماع در طول دهه‌ها و قرن‌های آینده در تحت نفوذ تقلیب‌کننده ظهور حضرت بهاءالله تحوّل می‌یابد، مطمئناً تغییراتی بنیادین در آن روی خواهد داد که اجرای تعالیم بهائی در اجتماع را تسهیل نموده

مشکلات زن و شوهرهایی را که مشتاقانه خواهان خدمت به امر الهی از طریق فعالیت‌های شغلی و حرفه‌ای خود هستند تخفیف خواهد داد.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۶ ژوئن ۱۹۹۶ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۳۷]

(احباً)

از جمله نشانه‌های سقوط اخلاقی در نظام اجتماعی کنونی جهان، ضعف پیوند روحانی در روابط خانوادگی است. عدم رعایت کامل تساوی زن و مرد و بی‌توجهی به حقوق کودک در خانواده موجب رواج فرهنگی می‌گردد که از خصوصیات بارز آن تحقیر زن و فرزند، تحمیل اراده شخصی به دیگران و سرانجام اعمال زور و خشونت، ابتدا در خانواده و سپس در مدارس و محل کار و نهایتاً در کوی و برزن و صحنه اجتماع، می‌باشد. در چنین جوئی، خانواده که بهترین محیط برای آموختن اصل مشورت و تصمیم‌گیری جمعی است خود عاملی در جهت پرورش و تداوم استبداد در جامعه می‌گردد.

[۳۸]

(پیام مورخ ۲۴ نوامبر ۲۰۰۹ بیت العدل اعظم خطاب به احبای ایران)

همان گونه که پیدایش قوه عاقله در عالم وجود نتیجه هم‌بستگی و اتحاد پیچیده میلیون‌ها سلول است که با تشکیل بافت‌ها و اعضای مختلف توان‌مندی‌های متمایز را ممکن می‌سازند تکامل تمدن بشری را نیز می‌توان نتیجه مجموعه‌ای از تعاملات بین اجزای منسجم و متنوع نوع انسان دید، انسانی که توانسته است از مقصد کوتاه‌بینانه تمرکز در موجودیت خود فراتر رود. همان طور که زیستایی هر سلول و هر عضو به سلامت تمامی بدن وابسته است به همین ترتیب رفاه هر فرد، هر خانواده و هر ملت را باید در رفاه تمامی نوع بشر جستجو نمود....

برای شکل‌گیری مجموعه روابط فوق‌الذکر به صورت الگویی از زندگی مبتنی بر اصل یگانگی نوع بشر، برخی از مفاهیم اساسی باید مورد بررسی دقیق قرار گیرد. عمده‌ترین آنها مفهوم قدرت است.... شکوفا نمودن، تشویق کردن، جهت بخشیدن، هدایت کردن و قادر ساختن از جمله واژه‌هایی هستند که با این مفهوم از قدرت بستگی دارند.

[۳۹]

(پیام مورخ ۱۲ اسفند ۱۳۹۱ بیت العدل اعظم خطاب به احبای ایران)

مواجهه با چالش‌ها

انه قد حدّد فی البیان برضآء الطرفین انا لَمَّا اردنا المحبّة والوداد و اتّحاد العباد لذا علّقناه باذن الأبوین بعدهما لئلاّ تقع بینهم الضّغینة والبغضاء ولنا فیہ مآرب اخرى وکذلک کان الأمر مقضیاً.

[۴۰] (حضرت بهاء‌الله، کتاب اقدس، بند ۶۵)

انّ الله احبّ الوصل والوفاق و ابغض الفصل والطلاق.

[۴۱] (حضرت بهاء‌الله، کتاب اقدس، بند ۷۰)

غصّه مخور صدمه مکش توکل بر خدا کن و توّسل بذیل کبریا جو الحمد لله تا بحال خوش گذشته باز نیز خواهد گذشت انّ ربّک لرؤف رحیم و بقدر امکان از صبیّه ... جدا مشو زیرا حق التیام خواهد و بانفصام راضی نگردد وصل خواهد نه فصل اتّصال خواهد نه قطع مقبولترین امور الفت است و محبّت ولی اگر چنانچه بهیچوجه ممکن نه و کراهت تامّه حاصل آن وقت فصل جائز است لهذا تا توانی بوصل پرداز نه فصل.

[۴۲] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

ای کنیز عزیز الهی شکر کن خدا را که اسباب الفت و التیام با قرین محترمت حاصل شد از خبر رجوع تو نزد مستر ... بی نهایت مسرور شدم زیرا در نزد حق محبوب تر از الفت و وفاق چیزی نه و مبعوض تر از کلفت و فراق چیزی نیست الحمد لله ما بین شما دوباره الفت و محبّت حاصل من بسیار خوشنود شدم.

[۴۳] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

در ایران مسئله طلاق پیش بنهایت سهولت تحقّق می‌یافت در میان ملت قدیمه متّصل بواسطه امر جزئی طلاق واقع می‌گردید چون انوار ملکوت تابید نفوس از روح بهاء‌الله زنده شدند بکلی از طلاق اجتناب نمودند حال در ایران در میان احبّاب طلاق واقع نمی‌گردد مگر آنکه امر مجبری در میان آید و ائتلاف مستحیل باشد درین صورت نادراً طلاق واقع گردد.

حال احبّای امریک نیز باید برین روش و حرکت سلوک نمایند از طلاق نهایت اجتناب داشته باشند مگر آنکه سبب مجبری در میان آید که طرفین از یکدیگر بیزار گردند و باطلاع محفل روحانی قرار بر فصل دهند و یکسال باید صبر و تحمّل کنند اگر در ظرف این یکسال ائتلاف حاصل نشد طلاق واقع گردد نه اینکه بمجرد

ادنی تکدّری و اغبراری در میان زوج و زوجه واقع زوج با زن دیگر بفکر الفت افتد و یا نعوذ بالله زوجه نیز در فکر زوجی دیگر افتد این مخالف عصمت ملکوتی و عفت حقیقی است احبّای الهی باید نوعی روش و سلوک نمایند و حسن اخلاق و اطوار بنمایند که دیگران حیران مانند زوج و زوجه باید الفتشان جسمانی محض نباشد بلکه الفت روحانی و ملکوتی باشد این دو نفس حکم یکنفس دارند چه قدر مشکل است یکنفس از هم جدا شود البتّه مشکلات عظیمه رخ دهد.

باری اساس ملکوت الهی الفتست و محبّتست و وحدتست اتصال است نه انفصال اتّحاد است نه اختلاف علی الخصوص بین زوج و زوجه اگر سبب طلاق یکی ازین دو باشد البتّه در مشقّات عظیمه افتد و بوبال عظیم گرفتار گردد و بی نهایت نادم و پشیمان شود.

[۴۴]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

طلاق بر طبق نصّ کتاب مستطاب اقدس جایز ولی اجتناب از آن توصیه شده است. زن یا شوهر هرگاه احساس کنند که طلاق مطلقاً ضروری است، هر دو به طور مساوی حقّ درخواست طلاق را دارند. طلاق پس از گذشت یک سال تربّص که طیّ آن شوهر متعهّد به پرداخت مخارج همسر و فرزندان خود می‌باشد، قابل اجرا است حتّی اگر یکی از طرفین از قبول آن امتناع ورزد.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۶ ژوئیه ۱۹۳۵ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی

[۴۵]

(از احبّاً)

حضرت ولیّ امرالله نامه... شما را دریافت نموده و با تأثر عمیق از مشکلات و مصائب خانوادگی تان مطلع شده‌اند. هیکل مبارک مقرر فرمودند به شما اطمینان دهم که بالتّیابه از جانب شما و خانواده عزیزتان دعا خواهند نمود که انشاءالله به مدد هدایات و تأییدات ملاً اعلی به رفع اختلافات و برقراری الفت و دوستی کامل موفق گردید. در حالی که هیکل مبارک شما را به هرگونه فداکاری برای ایجاد اتّحاد در خانواده تشویق می‌فرمایند، امیدوارند اگر تلاش‌های شما ثمرات فوری به بار نیآورد مایوس نشوید. شما باید سهم خود را با ایمان کامل به این نکته ایفا نمایید که با چنین کاری شما وظیفه خود را به عنوان یک فرد بهائی انجام می‌دهید. بقیه امور یقیناً در ید قدرت الهی است.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۳ ژوئیه ۱۹۳۷ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی

[۴۶]

(از احبّاً)

حضرت ولی‌ام‌الله نامه... شما را دریافت نموده و با تأثر عمیق از عدم توافق بین شما و شوهرتان مطلع شده‌اند.

هیكل مبارک مقرر فرمودند به شما اطمینان دهم که جهت حل مشکلات خانوادگی تان دعا خواهند نمود، در عین حال مؤکداً به شما توصیه می‌نمایند که از هیچ کوششی برای رفع اختلافات خود فروگذار ننمایید و اجازه ندهید اختلافات به حدی برسد که باعث جدایی کامل و نهایی شما از شوهرتان گردد.

هرچند طلاق بر طبق احکام بهائی مجاز است ولی اجتناب از آن اکیداً توصیه شده است و فقط در زمانی باید به آن متوسل شد که هر کوششی برای جلوگیری از آن بیهوده و بی نتیجه مانده است.

شما و همچنین آقای... باید با دقت در باره عواقب روحانی اقدام هر یک از طرفین برای طلاق تأمل نمایید، و با اتکا به نیروی ایمان و با اطمینان به تأییداتی که در اثر تمسک کامل به اصول و احکام حضرت بهاء‌الله شامل حال هر یک از پیروان وفادار آن حضرت می‌گردد، با عزمی جدید به حل مشکلات مشترک پرداخته، الفت، آرامش و سعادت را به حیات خانواده خود برگردانید.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۱ سپتامبر ۱۹۳۸ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به

[۴۷]

یکی از احبّاً)

وضعیتی^۵ که شما با آن مواجه هستید برآستی مشکل و حساس است ولی مسئولیت‌هایی که شما به عنوان مؤمنی صادق و وفادار باید آگاهانه و با دقت به عهده بگیرید نیز به همان اندازه خطیر و حیاتی است. بنا بر این حضرت ولی‌ام‌الله هرچند وضعیت خاص شما را به خوبی درمی‌یابند و هرچند از این معضل که متأسفانه با آن رو هستید عمیقاً متأثر می‌باشند، ولیکن با توجه به اوامر مؤکده مندرج در تعالیم الهی نمی‌توانند در حالی که همسر اول شما هنوز در قید حیات و شریک شما در پیوند مقدس ازدواج است تقاضای شما را مبنی بر ازدواج مجدد تأیید نمایند و یا حتی پیشنهاد یا موافقت فرمایند که شما همسر خود را صرفاً به این منظور طلاق دهید تا مجاز به ازدواج با همسر جدیدی گردید.

تعالیم بهائی نه تنها امکان اختیار دوزوجه را نمی‌دهد بلکه طلاق را نیز با وجود جایز بودن، عملی مذموم می‌شمرد که فقط در شرایطی استثنایی و هنگامی باید به آن متوسل شد که مسائل عمده‌ای ورای جدایی ظاهری و هماهنگی جنسی و الفت در میان باشد. نهاد ازدواج چنانکه حضرت بهاء‌الله مقرر فرموده‌اند در عین

^۵ یکی از احبّاً که با همسر اول خود از روی ترحم ازدواج کرده حال مایل است که به وی اجازه داده شود تا با زنی که عاشقش بوده ازدواج کند و می‌گوید که همسرش نیز با ازدواج او با همسر دوم موافق است.

حال که برای جنبه جسمانی پیوند زناشویی اهمیت لازم را قائل است آن را نسبت به مقاصد اخلاقی و روحانی و نقشی که از طرف خداوند دانا و مهربان برای آن منظور گردیده است فرعی می‌شمرد. تنها هنگامی که به هریک از این جنبه‌های مختلف اهمیت لازم داده شود و جنبه اخلاقی بر مادی و جنبه روحانی بر جسمانی اولویت یابد می‌توان از چنین افراط و بی‌بندوباری‌ها در روابط زناشویی که عصر منحط ما به نحو اسف‌باری شاهد آن است جلوگیری نمود و پاکی اصلی زندگی خانوادگی را به آن بازگرداند و هدف حقیقی از ایجاد این نهاد الهی را تحقق بخشید.

حضرت ولی‌امرالله از صمیم قلب دعا خواهند نمود که شما با الهام از چنین موازین الهی و چنین هدایات ربّانی و با استمدادات و تأییدات لاریبیه حضرت بهاءالله، بتوانید به نحوی رضایت بخش روابط خود را با نفوس مورد نظر تعدیل و تنظیم نموده به راه حلّ صحیحی برای این مشکل یقیناً دشوار زندگی تان نائل آید.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۸ مه ۱۹۳۹ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّاً)

[۴۸]

... هیکل مبارک به راستی از دریافت خبر خوش رفع اختلافات خانوادگی شما با خانم ... و علی‌الخصوص از اینکه متفقاً یک سفر تبلیغی بسیار موفقیت‌آمیز را ... به انجام رسانده‌اید مسرور شدند. هیکل مبارک امیدوارند و از صمیم قلب دعا خواهند نمود که این پیوند خدمت مشترک به امر الهی که قلوب تان را عمیقاً متحد کرده و راه حلّ مؤثری برای مشکلات شخصی شماها گشته، با گذشت زمان و با مشارکت بیشتر و مشترک تان در نشر نفعات الله ... مستحکم تر گردد.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۴۰ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به

[۴۹]

(یکی از احبّاً)

حضرت بهاءالله بر تقدّس ازدواج تأکید شدید فرموده‌اند و احبّاً باید نهایت کوشش خود را برای ایجاد الفت در خانواده و ایجاد شرایطی که حدّ اقلّ مضر به حال فرزندان‌شان نباشد مبذول دارند. ولی اگر بعد از دعا و مناجات و از خودگذشتگی مسجّل شود که انجام آن مطلقاً غیر ممکن است می‌توانند به طلاق متوسّل گردند.

حضرت ولی‌امرالله برای شما و شوهرتان دعا خواهند نمود تا راهی برای شما گشوده شود و روابط بهتری پیدا کنید و همسرتان از مخالفت خشونت‌آمیز خود نسبت به امر مبارک دست بردارد.

هیكل مبارک توصیه می‌فرمایند که در هر اقدامی در راه جدایی از شوهرتان، احساسات فرزندان خود را هم در نظر بگیرید. آن حضرت برای فرزندان‌تان نیز دعا خواهند نمود تا با ثبوت در امر مبارک پرورش یابند.
(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۰ نوامبر ۱۹۴۳ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به

یکی از احبّاً) [۵۰]

حضرت ولی‌امرالله معتقدند که شما و همسران باید آنچه در قوه دارید به کار برید تا رابطه‌ای صمیمانه بین خود ایجاد نمایید و حتی‌الامکان هر طور شده از طلاق اجتناب کنید. از نظر دیانت بهائی ازدواج ارتباطی جدی و مقدّس است و طلاق آخرین چاره محسوب می‌شود که تا حدّ توانایی باید از آن اجتناب نمود.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۰ اوت ۱۹۴۵ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی

از احبّاً) [۵۱]

هیكل مبارک از شنیدن اینکه شما و شوهرتان هنوز تا این حدّ با هم ناخشنود هستید بسیار متأسّف شدند. ناسازگاری زوج و زوجه با یکدیگر همواره باعث غم و اندوه در زندگی است ولیکن حضرت ولی‌امرالله معتقدند که شما و شوهرتان در اندیشیدن به طلاق باید به فکر آینده فرزندان‌تان باشید و اینکه چنین اقدام عمده‌ای چه تأثیری در زندگی و سعادت آنان خواهد داشت.

اگر احساس می‌کنید که به توصیه و مشاوره نیاز دارید آن حضرت پیشنهاد می‌کنند که با محفل روحانی محلّ خودتان مشورت کنید، دوستان بهائی شما مطمئنّاً به تمام قوا خواهند کوشید که شما را مساعدت نموده، منافع شما و امرالله را حفظ نمایند.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۶ نوامبر ۱۹۴۵ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به

یکی از احبّاً) [۵۲]

حضرت ولی‌امرالله معتقدند که شوهر شما مرد شایسته‌ای است و بسیار مسرورند از اینکه شما هر دو در صدد هستید که مجدداً به هم پیوندید. حضرت ولی‌امرالله قویّاً معتقدند که بهائیان و به خصوص آنهایی که مثل شما و خانواده شما به نحوی آشکار و فعّال به خدمت امرالله مشغولند باید در صورت امکان در هر موردی سرمشقی شایسته برای احبّای جدید و جوانان بهائی باشند. از آنجایی که حضرت بهاءالله با طلاق بسیار مخالف بودند (گرچه آن را جایز شمرده‌اند) و ازدواج را یک مسؤولیت بسیار مقدّس محسوب فرموده‌اند، احبّاً باید نهایت

کوشش را بنمایند تا عقد ازدواجی را که بسته‌اند حفظ کنند و از آن اتحادی نمونه که بر اساس شریف‌ترین انگیزه‌ها استوار است بسازند.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۹ اکتبر ۱۹۴۷ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی

[۵۳]

(از احباً)

حضرت بهاءالله به صراحت فرموده‌اند که برای ازدواج بهائی رضایت والدینی که در قید حیات هستند ضروری است. این دستور اعم از اینکه والدین بهائی باشند یا غیر بهائی و سال‌ها قبل طلاق گرفته باشند یا نه، لازم الاجرا است. هیکل مبارک این حکم محکم الهی را برای تحکیم بافت اجتماع و تقویت پیوندهای خانوادگی و ایجاد حسّ قدردانی و احترام در قلب فرزندان نسبت به کسانی که به آنها زندگی بخشیده و روح آنان را در مسیر سفر ابدی به سوی پروردگار خود قرار داده‌اند صادر فرموده‌اند. ما بهائیان باید بدانیم که آنچه در دنیای کنونی می‌گذرد فرایندی کاملاً برعکس است: جوانان کمتر و کمتر به خواسته‌های والدین خود اهمّیت می‌دهند، طلاق حقّی طبیعی محسوب می‌شود و بر اساس سست‌ترین و ناموجه‌ترین و غیر اصولی‌ترین بهانه‌ها صورت می‌گیرد. والدینی که از هم جدا می‌شوند، به خصوص اگر یکی از آنها سرپرستی کامل فرزندان را به عهده داشته باشد، به راحتی آماده‌اند که طرف دیگر را که او نیز در مقام والدین مسئول به دنیا آوردن فرزندان می‌باشد بی‌اهمّیت جلوه دهند. بهائیان باید با توسّل کامل به احکام و تعالیم بهائی، با نیروهای فرساینده‌ای که به سرعت در حال نابود کردن حیات خانواده و زیبایی روابط خانوادگی و ساختار اخلاقی اجتماع است به مبارزه برخیزند.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۵ اکتبر ۱۹۴۷ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی

[۵۴]

(از محافل ملی)

شکّی نیست که احبّای الهی در امریکا، شاید ناآگاهانه، و تحت تأثیر بی‌بند و باری شدید و متداول در اخلاقیات و روحیه‌ای سهل‌انگارانه نسبت به طلاق که به نظر می‌رسد متزایداً رو به شیوع است، امر طلاق را کما هو حقّه جدّی نمی‌گیرند و این حقیقت را احتمالاً درک نمی‌کنند که اگرچه حضرت بهاءالله طلاق را مجاز دانسته‌اند و لکن آن را قویاً مذموم و تنها به عنوان آخرین چاره جایز شمرده‌اند.

وجود فرزندان به عنوان یک عامل در طلاق نمی‌تواند نادیده گرفته شود، زیرا مطمئناً مسؤولیت اخلاقی بیشتری را بر دوش زوج و زوجه هنگام در نظر گرفتن چنین گامی می‌گذارد. طلاق در چنین شرایطی دیگر فقط به آنان و خواسته‌ها و احساسات‌شان مربوط نمی‌شود، بلکه به کلّ آینده کودکان و نگرش آنان نسبت به ازدواج نیز مربوط می‌شود.

در مورد اینکه آیا شما و آقای ... اکنون باید طلاق بگیرید: این موضوعی است که عمیقاً به شما دو نفر، فرزندان تان و آینده تان مربوط می شود و هیکل مبارک احساس نمی کنند بیش از آنچه در بالا ذکر نموده اند، می توانند به شما توصیه دیگری بنمایند. تصمیم بر عهده شما دو نفر می باشد.

(ترجمه ای از نامه مورخ ۱۹ دسامبر ۱۹۴۷ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به

[۵۵]

(یکی از احباً)

احباً باید اکیداً از طلاق احتراز جویند و فقط در مواقع نادر و تحت امر مجبری به آن متوسل شوند. اجتماع مدرن امروزی با بی انضباتی نسبت به ماهیت مقدس ازدواج سهل انگار است و احباً باید مجدّانه با این روند مقابله نمایند.

(ترجمه ای از نامه مورخ ۵ ژانویه ۱۹۴۸ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی

[۵۶]

(از احباً)

بسیار جای تأسف است که دو نفر بهائی که در این امر عظیم الهی با هم متحدند و از سعادت داشتن خانواده برخوردارند، قادر نباشند با الفت حقیقی با یکدیگر زندگی کنند. حضرت ولی امرالله معتقدند که شما باید دست به اقدامات سازنده ای بزنید و نگذارید وضع وخیم تر گردد. هنگامی که طلاق و جدایی بر سرزن و شوهری سایه می افکند، برای اجتناب از آن از هر راه حلی باید استفاده نمود.

هیکل مبارک به هر دوی شما تأکید می فرمایند که وقت بیشتری از اوقات خود را به تبلیغ امرالله اختصاص

دهید و با هم دعا کنید تا حضرت بهاءالله به شما محبتی حقیقی و پایدار نسبت به یکدیگر عنایت فرمایند.

(ترجمه ای از نامه مورخ ۵ ژوئیه ۱۹۴۹ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی

[۵۷]

(از احباً)

هیکل مبارک از شنیدن اینکه شما در فکر جدایی از شوهرتان هستید بسیار متأسف شدند. همانطور که بدون شک مطلع اید حضرت بهاءالله پیوند ازدواج را بسیار مقدس می شمردند، و طلاق برای بهائیان فقط تحت شرایط بسیار استثنایی و غیر قابل تحمل جایز است.

حضرت ولی امرالله به شما نمی فرمایند که نباید از شوهرتان طلاق بگیرید اما توصیه می نمایند که نه فقط

به خاطر آنکه بهائی و مشتاق اطاعت از احکام الهی هستید بلکه به خاطر سعادت فرزندان تان، بررسی کنید که

آیا برای شما امکان دارد که با توسل به دعا و مناجات بر محدودیت‌هایی که تا کنون در ازدواج‌تان احساس کرده‌اید، فایق آید و با هم در جهت ثبات ازدواج‌تان سعی باشید؟

ما اغلب احساس می‌کنیم که خوشبختی ما در مسیر خاصی است ولی اگر مجبور شویم بهای سنگینی برای آن بپردازیم، ممکن است نهایتاً متوجه شویم که در واقع نه آزادی به دست آورده‌ایم و نه خوشبختی بلکه صرفاً به یک وضعیت جدیدی از ناامیدی و سرخوردگی رسیده‌ایم.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۵ آوریل ۱۹۵۱ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی

[۵۸]

(از احباً)

هیکل مبارک معتقدند که شما باید البته در حفظ ازدواج خود از هیچ کوششی دریغ ننمایید به خصوص به خاطر فرزندان‌تان که مسلماً مانند همه فرزندان والدین مطلقه از تضادهای عاطفی رنج خواهند برد زیرا چنین فرزندانی از موهبت داشتن پدر و مادری در یک خانه که متفقاً به مصالح‌شان توجه نموده به آنان عشق به ورزند محرومند.

اکنون که متوجه شده‌اید شوهرتان بیمار است، باید بتوانید خود را با مشکلاتی که از نظر عاطفی با او داشته‌اید وفق دهید و هر چقدر هم که رنج ببرید، نباید نگرشی غیر قابل بخشش داشته باشید.

ما می‌دانیم که حضرت بهاء‌الله به شدت طلاق را ناپسند دانسته‌اند؛ و فی الحقیقه بر بهائیان واجب است که با تلاشی تقریباً مافوق بشری، اجازه ندهند که یک ازدواج بهائی از هم فروپاشد.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۶ مارس ۱۹۵۳ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی

[۵۹]

(از احباً)

هیکل مبارک از شنیدن اینکه ازدواج شما کاملاً ناموفق به نظر می‌آید بسیار متأسف شده‌اند. لزومی نمی‌بینم که شما را به عنوان یک بهائی متذکر دارم که هر بهائی باید به خاطر خدا و نه به خاطر خودش، تمامی سعی و همت را برای حفظ ازدواج‌شان مبذول دارند. در مورد مهاجرین، این امر حتی مهم‌تر است زیرا آنان در معرض دید عموم قرار دارند. با این حال، در چنین مواردی نه شایسته است و نه صحیح که حضرت ولی‌امرالله به افراد اصرار ورزند. هیکل مبارک فقط می‌توانند به شما و... توصیه فرمایند که سعی مجدد نمایید؛ اما اگر نمی‌توانید بر این امتحان فایق آید طبیعتاً یک موضوع شخصی است.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۳ ژانویه ۱۹۵۶ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به

[۶۰]

(یکی از احباً)

هر کجا که یک خانواده بهائی وجود دارد افراد ذی ربط باید تمام سعی خود را برای حفظ آن مبذول دارند زیرا طلاق در تعالیم بهائی قویاً مذموم است، در حالی که الفت و اتحاد و محبت از عالی ترین کمالات در روابط انسانی محسوب می شود. این اصل باید همواره شامل همه بهائیان باشد خواه در میدان مهاجرت قائم به خدمت باشند یا نه.

(ترجمه ای از نامه مورخ ۹ نوامبر ۱۹۵۶ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی

[۶۱]

از محافل ملی)

در صورت بروز گره و کدورت از یکی از زوجین وقوع طلاق جایز اما موقوف به یک سال تمام تربص است.

[۶۲]

(جزوه "تلخیص و تدوین حدود و احکام" کتاب اقدس، د-۲-۳)

با توجه به مشکلاتی که شما و همسران با آن مواجه هستید، بیت العدل اعظم به این نکته اشاره می فرماید که اتحاد خانواده شما باید بر هر امر دیگری اولویت داشته باشد. حضرت بهاء الله به منظور ایجاد اتحاد در جهان ظاهر شده اند و اتحاد خانواده اتحادی اساسی و بنیادی است. بنا بر این باید اذعان کنیم که هدف امر الله استحکام خانواده است نه تضعیف آن. مثلاً خدمت به امر نباید موجب غفلت از خانواده گردد. بسیار مهم است که شما وقت خود را طوری تنظیم نمایید که حیات خانواده شما متعادل باشد و اعضای خانواده تان از توجه لازم برخوردار باشند.

حضرت بهاء الله همچنین بر اهمیت مشورت تأکید فرموده اند. ما نباید تصور کنیم که این روش پرارزش منحصر به مؤسسات اداری امری است. مشورت خانوادگی با استفاده از بحث و گفتگوی کامل و صادقانه هم راه با آگاهی از لزوم میان روی و اعتدال، می تواند نوش داروی اختلافات خانوادگی باشد. زنان نباید سعی کنند تا شوهران خود را تحت تسلط خود در آورند و به همین ترتیب شوهران نیز نباید بکوشند تا همسران خود را زیر سلطه خویش گیرند.

(ترجمه ای از نامه مورخ ۱ اوت ۱۹۷۸ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۶۳]

احباب)

الواحی چند از حضرت عبدالبهاء خطاب به احبابی که شوهران شان به امر مبارک اقبال نکردند موجود است که در آنها هیکل مبارک همسر بهائی را به صبر و تفاهم و افزایش محبت و توجه نسبت به شوهرش تشویق می فرماید. البته این ابداء بدان معنا نیست که همسر بهائی باید به نحوی از ایمان خود چشم پوشی کند بلکه

ممکن است به معنای تعدیلی در میزان یا ماهیت خدمات امریش باشد تا مسئولیت‌های خانوادگی قطعاً مورد توجه کامل قرار گیرند. یک شوهر غیر بهائی با وجود اینکه به امر مبارک ایمان نمی‌آورد، ولی اغلب محبت کافی به همسرش و احترام به امر مبارک دارد که مسئولیت‌های اضافی در خانه را به عهده بگیرد تا همسرش وقت بیشتری برای خدمات امری داشته باشد. اما همسر بهائی نباید در انجام این کار اصرار ورزد و باید همیشه به خاطر داشته باشد که تقویت وحدت خانواده بنفسه یک فریضة بهائی است. مسلماً همین اصل در مورد شوهری که همسرش بهائی نیست نیز صدق می‌کند.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۵ ژانویه ۱۹۷۹ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یک

[۶۴]

محفل روحانی ملی)

نامه شما ... حاوی شرح مشکلاتی که خانواده شما با آن مواجه می‌باشد موجب تأثر بیت العدل اعظم گردید. مقرر فرمودند به شرح زیر مرقوم گردد.

بیت العدل اعظم توجه دارند که شما و همسرتان در مورد مشکلات خانوادگی خود با محفل روحانی مشورت کرده ولی توصیه‌ای دریافت نکرده‌اید و هم چنین وضع خود را با یک مشاور امور خانواده مطرح نموده‌اید اما نتیجه‌ای به دست نیآورده‌اید و معتقدند که برای شما و شوهرتان درک این موضوع بسیار مهم است که ازدواج می‌تواند منشأ راحت و آسایش بوده احساسی از امنیت و سعادت روحانی به انسان ببخشد. ولی این امر به خودی خود اتفاق نمی‌افتد. برای آنکه ازدواج به پناهگاه رضایت و آسودگی تبدیل گردد هم‌کاری طرفین ازدواج و مساعدت خانواده‌های آنان ضروری است. شما به نگرانی خود در مورد دختر بزرگ‌ترتان اشاره می‌کنید. توصیه می‌شود که او و شاید فرزندان کوچک‌ترتان را در مشورت‌های خانوادگی شرکت دهید.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۴ ژوئن ۱۹۷۹ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۶۵]

احباً)

بروز کراهت آشتی ناپذیر مابین طرفین ازدواج، صرفاً عدم عشق به همسر نیست بلکه وجود کراهتی غیر قابل حل است. این وظیفه محفل روحانی است که قبل از تعیین تاریخ شروع سال تربص، تصمیم بگیرد که آیا چنین شرایطی وجود دارد، و این کار را می‌تواند بر اساس درخواست یکی از طرفین انجام دهد. عدم تمایل طرف دیگر به درخواست طلاق تأثیری بر این موضوع ندارد.

پس از تعیین آغاز سال تربص وظیفه طرفین آنست که تمام کوشش خود را برای رفع اختلافاتشان و حفظ ازدواج بنمایند. محفل روحانی وظیفه دارد که هر کمکی را در این مورد به آنان ارائه نماید....

بدیهی است درخواست مساعدت از محفل روحانی همانا بخشی از روش معمول طلاق بهائی است و طرفین باید در مورد مشکلات خود با محفل روحانی مشورت نمایند. هر دو طرف یا هر یک از آنان مختارند که از خدمات مشاورین خانوادگی حرفه‌ای نیز کمک گیرند.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۷۹ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۶۶]

(حجّاً)

نامه مورخ ... شما به بیت العدل اعظم به وضوح نشان می‌دهد که شما در پی بازسازی ازدواج خود از طریق مطالعه آثار مبارکه و همچنین از طریق روش‌های مختلف مشاوره و دریافت کمک می‌باشید. مقرر فرمودند که توصیه معهد اعلی در مورد این موضوع حیاتی یعنی آشتی طرفین ازدواج را در بستر شناخت نفس خود و نحوه روابطتان با دیگران به اطلاع برسانیم.

اکیداً توصیه می‌شود که در مطالعات خود، در ادعیه خود برای حل مشکلاتتان، و در تعمق و تفکر خود که می‌تواند موجب هدایت و اطمینان گردد پایداری کنید زیرا شناخت نفس خویش و درک روابط با دیگران در آثار مبارکه مذکور و در مثل اعلای مولای محبوب حضرت عبدالبهاء متجلی است.

شما و شوهرتان نباید در ادامه مشورت با مشاورین خانوادگی حرفه‌ای، به طور فردی و در صورت امکان با هم دیگر، تردید کنید و همچنین از حمایت و مشاوره با دوستان خردمند و باتجربه نیز بهره‌مند شوید. مشاوره‌های غیر بهائی می‌تواند مفید باشد، اما معمولاً لازم است که با بینش بهائی تعدیل شود.

پرسیده‌اید که چگونه باید با خشم مقابله کرد. بیت العدل اعظم توصیه می‌نمایند که همواره اندازات مندرج در آثار مبارکه را مدّ نظر داشته باشید، اندازاتی در مورد لزوم چشم‌پوشی از قصور دیگران، عفو و مستور داشتن خطاهای آنان، افشا نکردن صفات غیر مرضیه آنان، بلکه مشاهده و اذعان صفات پسندیده آنان، و همواره سعی و کوشش برای بردبار، صبور و مهربان بودن. مطالعه بیاناتی مانند عبارات زیر مستخرج از نامه‌هایی از جانب حضرت ولیّ محبوب امرالله سودمند خواهد بود:

در هر شخصی خصایلی موجود است که می‌توانیم آنها را ارج نهیم و تحسین کنیم و به خاطر آن خصایل او را دوست بداریم اگر شما مصمم شوید که فقط به این خصایل شوهرتان فکر کنید این به بهبودی وضع کمک خواهد کرد.... از افکاری که موجب ناراحتی شما می‌شود باید بپرهیزید و همواره در دعا از حضرت بهاءالله طلب کمک بنمایید. آن وقت در خواهید یافت که چگونه آن عشق خالصی که خداوند آن را مشتعل می‌سازد و با مطالعه آثار مبارکه در قلوب می‌گدازد بیش از هر چیز دیگری موجب گرمی و التیام خواهد شد. (ترجمه)

... هر یک از ما تنها مسئول حیات خویش است. مسلماً هر یک از ما از رتبه کمال یعنی آن "کمالی که مخصوص پدر آسمانی است" بسیار بدور هستیم. نیل به کمال در زندگی و کسب خصایل مستلزم نهایت توجه و عزم جزم و صرف قوا می باشد. (ترجمه)

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاء)

[۶۷]

در خصوص تعریف واژه "بیزار" در رابطه با قانون طلاق بهائی، بیت العدل اعظم خاطر نشان می نمایند که هیچ "دلیل یا اساس" خاصی برای طلاق بهائی به مانند آنچه در برخی مجموعه قوانین مدنی یافت می شود وجود ندارد. احکام بهائی طلاق را مجاز می داند اما طبق تصریحات حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء طلاق مبغوض است. بنا بر این یک فرد بهائی موظف است آنچه را که در توان دارد برای اجتناب از طلاق به کار گیرد. بهائیان باید از تقدس ازدواج عمیقاً آگاه باشند و بکوشند تا ازدواج شان را پیوندی ابدی از اتحاد و الفت نمایند. لازمه این امر کوشش و فداکاری و خردمندی و از خودگذشتگی است. یک فرد بهائی باید امکان طلاق را فقط زمانی در نظر بگیرد که شرایط زندگی غیر قابل تحمل بوده و نسبت به همسرش احساس بیزاری شدید داشته باشد. این معیاری است معین شده برای فرد، این حکم نیست بلکه توصیه است. این هدفی است که باید برای آن تلاش نماییم.

اما موضوع از نقطه نظر محفل روحانی تا حدی متفاوت است. محفل روحانی باید همواره توجه مخصوص مبذول دارد که افراد جامعه تحت اشرافش شناخت و درک عمیقی از مفهوم ازدواج داشته باشند مخصوصاً جوانان، به طوری که حتی فکر طلاق نیز برای آنان مبغوض و مشمئزکننده باشد. وقتی که درخواست طلاق به محفل روحانی ارائه می شود اولین فکر و اقدام محفل باید ایجاد صلح و آشتی بین زوجین و اطمینان از آگاهی آنان از تعالیم بهائی در مورد این موضوع باشد. محفل انشاء الله موفق به این کار شده نیازی به شروع سال تربص نخواهد بود. اما اگر محفل روحانی تشخیص دهد که قادر به متقاعد کردن طرف مربوطه جهت انصراف از درخواست طلاق نیست، باید به این نتیجه برسد که از نظر آن محفل کراهت آشتی ناپذیری وجود دارد و تنها راه موجود، تعیین تاریخ شروع سال تربص است. در طی سال تربص، زوجین مسئولیت دارند برای رفع اختلافات خود تلاش کنند، و محفل نیز موظف به کمک و تشویق آنان می باشد. اما اگر دوره تربص بدون مصالحه به پایان برسد، طلاق بهائی، در صورتی که طلاق مدنی هنوز انجام نشده باشد، باید هم زمان با صدور طلاق مدنی صادر شود.

بنا بر این می توان ملاحظه نمود که واژه "بیزار" یک اصطلاح حقوقی خاص نیست که نیاز به تعریف داشته باشد. در قانون طلاق بهائی به راستی اصطلاحات دیگری در توصیف دلایلی که می تواند باعث طلاق

شود ذکر گردیده است، مانند ”تکذّر“، ”اغبرار“ و ”اكتلاف مستحيل باشد“. ولی احکام بهائی حاکی از آنست که طلاق قویاً مذموم شمرده شده و ”نادراً“ فقط به عنوان ”امر مجبر“ باید منظور گردد، و طرفی که در ازدواج ”سبب طلاق“ گردد ”البته“ ”بویال عظیم گرفتار گردد“.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۳ نوامبر ۱۹۸۲ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۶۸]

(احباً)

بیت العدل اعظم به شما توصیه می‌کنند که به کوشش‌های مجدّانه خود برای غلبه بر مشکلات در ازدواج‌تان ادامه دهید. معهد اعلی خوشنودند که شما و شوهرتان برای کسب هدایت به محفل روحانی محلّی رجوع نموده‌اید و برای دریافت مساعدت، به یک بهائی که مشاور خانوادگی است مراجعه کرده‌اید. چنین اقداماتی وقتی با کوششی جدی و مصمّم توأم گردد امکان حفظ و تداوم ازدواج شما را بسیار افزایش می‌دهد. اما این حقیقت را نیز باید در نظر داشت که چون حضرت بهاءالله طلاق را مجاز دانسته‌اند بی‌تردید نشانه آن است که در شرایط خاصّی طلاق اجتناب‌ناپذیر است. اگر کوشش‌های مجدّانه شما برای حفظ ازدواج‌تان نتیجه مطلوب را به همراه نیاورد نباید پریشان خاطر شوید.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۸ آوریل ۱۹۸۹ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۶۹]

(احباً)

بیت العدل اعظم با اطلاع از اینکه مشکلات زناشویی شما و شوهرتان همچنان ادامه یافته متأثراند. معهد اعلی مکرراً به احبّایی که چنین شرایطی دارند توصیه نموده‌اند که برای راهنمایی و مشاوره به محافل روحانی مراجعه کنند و این توصیه را برای حفظ اتحاد زندگی زناشویی خود پیروی نمایند. در بسیاری از موارد ملاحظه شده است که پی‌گیری مساعدت مشاورین خانوادگی حرفه‌ای ماهر که می‌توانند بینش‌ها و راهنمایی‌های مفیدی برای استفاده از تدابیر سازنده در جهت ایجاد اتحادی بیشتر ارائه دهند، اقدامی مفید می‌باشد.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۸۹ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۷۰]

(احباً)

موارد بسیاری وجود داشته است که یک زوج با کوششی مصمّم و قاطع و به کمک قوه دعا و راهنمایی متخصصین، موفق به غلبه بر موانعی به ظاهر فایق نیامدنی برای اصلاح و بازسازی زیربنایی محکم در ازدواج

خود شده‌اند. همچنین نمونه‌های بی‌شماری از افراد هستند که با استفاده از قوای روحانی که به فضل الهی موجود است، توانسته‌اند تغییراتی اساسی و پایدار در رفتار خود ایجاد نمایند.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۶ اوت ۱۹۸۹ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۷۱]

(احباً)

... تأکید موجود در بیانات حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء بر الفت و محبت به منزله خصیصه بارز ازدواج، و با توجه به توصیه حضرت عبدالبهاء بر اینکه هر عضو خانواده باید حقوق دیگر اعضا را رعایت نماید، روشن است که خشونت در خانواده مخالف با روح امر الهی بوده و رویه‌ای است که باید مذموم شمرده شده محکوم شود.

بدیهی است که هیچ شوهری نباید همسر خود را مورد آزار و اذیت اعم از آزار عاطفی و روحی و جسمی قرار دهد. چنین عمل مذمومی با روابط مبتنی بر احترام و تساوی که در آثار بهائی به آن امر شده کاملاً در تضاد خواهد بود، روابطی که می‌بایستی با مشورت توأم و از هرگونه بدرفتاری و از جمله توسل به زور به منظور تحمیل اراده خود به دیگری مبرا باشد. هنگامی که یک زن بهائی خود را در چنین وضعی می‌یابد و احساس می‌کند که نمی‌تواند این مشکل را از طریق مشورت با شوهر خود حل نماید، می‌تواند جهت مشورت و صلاح دید به محفل روحانی محلی مراجعه نماید و همچنین ممکن است مراجعه به مشاورین خانوادگی حرفه‌ای و ماهر را نیز مفید تشخیص دهد. اگر شوهر هم بهائی باشد، محفل روحانی ممکن است توجه او را به لزوم اجتناب از رفتار ناشایست جلب نماید و در صورت ضرورت می‌تواند جهت الزام او به وفق دادن رفتار خود با تعالیم امر مبارک دست به اقدامات جدی‌تری بزند.

همسری که مورد ضرب و شتم شوهرش قرار گیرد ملزم به ادامه زندگی با شوهرش نیست و اگر لازم بداند آزاد است شوهر خود را ترک کرده در محلی مستقل زندگی کند.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۲ آوریل ۱۹۹۰ بیت العدل اعظم خطاب به یک محفل روحانی

[۷۲]

(ملی)

بیت العدل اعظم با اطلاع از مشکلات عدیده‌ای که شما در ازدواج‌تان دارید بسیار متأثر شدند. واقعاً موجب دل‌شکستگی است که کسی را که دوست دارید از امر مبارک که برای شما بسیار عزیز است دل‌سرد گردد. در این شرایط به شما توصیه می‌شود که با مشورت با همسران سعی کنید قراردایی در مورد نحوه برخورد با یکدیگر تعیین نمایید که احترام متقابل به اعتقادات و باورهای هم‌دیگر را ترویج خواهد کرد و به برخی توافق‌هایی برسید که برخورد و رفتار هر یک از شما خدشه‌ای به حق دیگری در داشتن اندیشه‌های متفاوت وارد

نخواهد آورد. زندگی زناشویی نباید تحت فشار انتظارات بی جای یکی از زوجین بر اساس باورها و خواسته‌هایی که زوج دیگر به آن معتقد نیست قرار گیرد. هرچند داشتن ایمان مشترک طبیعتاً مطلوب است ولی گاهی اوقات چنین واقع نمی‌شود و در چنین شرایطی است که مراقبت و درک بیشتری برای حفظ زندگی زناشویی سالم مورد نیاز است.

استعفا از امر الله به منزله کتمان عقیده خواهد بود زیرا که شما هنوز به حضرت بهاء الله ایمان دارید و بنا بر این هیچ تأثیر مثبتی بر ازدواج شما نخواهد داشت. انجام مصالحه‌ای با این بزرگی و وسعت از نظر اخلاقی کار اشتباهی خواهد بود و نه تنها عزت نفس شما بلکه نهایتاً احترام همسران نسبت به شما را نیز از بین خواهد برد. به شما قویاً توصیه می‌شود که اجازه ندهید که خصومت فعلی همسران اعتقادات شخصی شما را تضعیف کند و یا به حالت عناد نسبت به او منجر شود. برای شما هنوز باید کاملاً امکان‌پذیر باشد که روابط محبت‌آمیز و دل‌سوزانه با همسران را نگه دارید و در عین حال اصالت اعتقادات شخصی و رابطه خود با حضرت بهاء الله را حفظ نمایید. قوای شما با توسل به دعا و مطالعه بیانات مبارکه افزایش خواهد یافت و برای مقابله با هر انتقادی که ممکن است بر ضد شما یا امر الله وارد شود، آماده‌تر خواهید شد.

این واقعیت که ... فرزندان شما بهائی هستند باید مایه آرامش خاطر شما و موجب قدردانی فراوان از حضرت بهاء الله باشد. جمال مبارک زندگی شما و فرزندان‌تان را به برکت عرفان مخصّص فرموده‌اند و پاسخ شما به این مشکل کنونی می‌تواند وسیله‌ای برای نشان دادن ثبوت و پابرجایی شما در عشق به آن حضرت باشد. چالش شما یافتن آن مسیری از خدمت به امر الهی است که وحدت ازدواج شما را هم حفظ خواهد کرد. شما یقیناً می‌توانید به وظایف نیایشی خود و مطالعه آثار مبارکه ادامه دهید، تقدیم تبرّعات نمایید، تا حدّ ممکن در فعالیت‌های جامعه بهائی شرکت کنید و تبلیغ امر الله نمایید. به شما توصیه می‌شود که با پی‌گیری تعهدات و علایق خودتان، نهایت کوشش خود را برای حصول توافق با همسران در باره دامنۀ فعالیت‌هایی قابل قبول برای هر یک از شما مبذول دارید.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱ ژانویه ۱۹۹۳ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۷۳]

(حبّاً)

فراتر از هر مساعدت حرفه‌ای که در دسترس شماست البته مساعدت الهی است و آن مساعدت را فرد با دعا، تبلیغ، مطالعه منظم نصوص مبارکه، اطاعت از احکام الهی، و استقامت و ثبوت بر عهد و میثاق دریافت می‌کند.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۷ آوریل ۱۹۹۳ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۷۴]

(حبّاً)

حضرت بهاءالله خانواده را نهادی اساسی برای نظام و سازمان‌دهی اجتماع مقرر فرموده و پیروان آیینش را به ایجاد خانواده‌های سالم و مستحکم تشویق کرده‌اند. این وظیفه کار آسانی نیست و وقتی زوجین از دو دین متفاوت باشند دشواری خاصی ارائه می‌کند.

نظر بیت العدل اعظم این است که وقتی بین والدین اختلافاتی در مورد تربیت دینی فرزندان ایجاد می‌شود، زن و شوهر باید حق یکدیگر را در تربیت فرزندان در دین خود رعایت کنند. در نامه خود ذکر کرده‌اید که شوهرتان گفته است که داشتن والدینی که دین‌های مختلف دارند برای فرزندان گیج‌کننده است. این بدون شک درست است اما چالشی است برای والدین که درک عمیق‌تری را از یگانگی تمام ادیان الهی کسب کنند. چه همسر غیر بهائی مایل به انجام این تلاش باشد یا نه، همسر بهائی نمی‌تواند با وجدان راحت مسئولیتش را برای آشنا ساختن فرزند خود با امر مبارک نادیده بگیرد. او همچنین موظف است که برای همسر غیر بهائی خود نیز همین حق را قائل شود. از آنجایی که شما و شوهرتان قبل از ازدواج از عقاید یکدیگر اطلاع داشته‌اید و از آنجایی که هر دو افرادی منطقی هستید، بیت العدل اعظم دلیلی نمی‌بیند که چنین ترتیبی برای تان عملی نباشد.

نامه شما حاکی از آن است که شوهرتان امیدوار است که شما به اسلام روی آورید و شما هم مایلید که او به حضرت بهاءالله ایمان بیاورد. اگرچه این نگرش‌ها قابل درک‌اند و لکن هرگز نباید مانعی برای وحدت ازدواج شما بشود. شوهر شما ممکن است هرگز به حضرت بهاءالله ایمان نیاورد. شما هم به نوبه خود هرگز نمی‌توانید ایمان به آن حضرت را انکار کنید. این نباید مانعی در راه شما دو نفر برای داشتن یک زندگی خانوادگی خوب و شاد بشود. بیت العدل اعظم امیدوار است که شما به شوهرتان عشق فراوانی بورزید، از صمیم قلب برای او دعا کنید و بهترین یار و یاور او باشید. اگر می‌خواهد مسلمان باشد، باید او را کمک کنید که یک مسلمان نمونه باشد. بیت العدل اعظم احساس می‌کند که چنین نگرشی، مشورت‌های مستمری را که باید با شوهرتان در موضوع تعلیم دینی پسران داشته باشید، بسیار آسان خواهد کرد.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۵ نوامبر ۱۹۹۳ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۷۵]

(حبا)

سؤال "آیا خدا هرگز طلاق را روا می‌دارد؟" سؤالی است که شاید باید به شکل متفاوتی مطرح شود زیرا نکته کلیدی که در چنین مواردی باید مورد توجه قرار گیرد این نیست که آیا خدا در هیچ زمانی طلاق را "روا می‌دارد" یا نه بلکه این موضوع عملی می‌باشد که چه موقعی بجا است که یک زوج یا یکی از آنها تصمیم به

جدایی بگیرد. پاسخ هم به سادگی قابل ارائه نیست زیرا به عوامل مختلف بستگی دارد که باید در بستر یک موقعیت خاص و مشخص در نظر گرفته شود.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۵ اکتبر ۱۹۹۵ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۷۶]

(احباً)

سال تربص برای زن و شوهر این امکان را فراهم می‌کند تا هر یک با صبر و حوصله و مستقلاً وضعیت خود را به دور از مداخلات رنج‌آور ناشی از کنار هم بودن ارزیابی کنند و تدابیری برای یک رویکرد تازه در جهت ترمیم روابط خدشه‌دار شده اتخاذ نمایند. موارد بسیاری وجود داشته است که یک زوج با کوششی مصمم و قاطع و به کمک قوه دعا و راهنمایی متخصصین، موفق به غلبه بر موانعی به ظاهر فایق نیامدنی برای اصلاح و بازسازی زیربنایی محکم در ازدواج خود شده‌اند. همچنین نمونه‌های بی‌شماری از افراد هستند که با استفاده از قوای روحانی که به فضل الهی موجود است، توانسته‌اند تغییراتی اساسی و پایدار در رفتار خود ایجاد نمایند....

پس واضح است که در دیانت بهائی، اجتناب از طلاق قویاً توصیه شده است و تنها زمانی باید به آن متوسل شد که تلاش طولانی برای توافق و آشتی ناموفق بوده است. اما این حقیقت را نیز باید در نظر داشت که چون حضرت بهاءالله طلاق را مجاز دانسته‌اند بی‌تردید نشانه آن است که در شرایط خاصی طلاق اجتناب‌ناپذیر است. به عبارت دیگر، در زمانی طلاق جایز است که بین دو طرف کراهت آشتی‌ناپذیر وجود داشته باشد.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲ سپتامبر ۱۹۹۶ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۷۷]

(احباً)

بیت العدل اعظم با شما در مشکلاتی که در نامه خود توضیح داده‌اید عمیقاً ابراز هم‌دردی می‌نمایند، مشکلاتی که ناشی از سابقه خشونت خانوادگی و مصرف مواد مخدر از طرف شوهرتان می‌باشد. معهد اعلی با خشنودی ملاحظه کردند که برای رسیدگی به این موضوع خواستار کمک روان‌شناس حرفه‌ای شده‌اید و امیدوارند که شوهرتان در تلاش برای بهبودی و اصلاح رفتار مخرب خود پشت‌کار خواهد داشت. به علاوه به شما توصیه می‌شود که برای هدایت و حمایت روحانی به مؤسسات بهائی محلی، مانند محفل روحانی محلی، عضو هیئت معاونت و یا محفل روحانی ملی مراجعه نمایید.

محبت و شهامتی که در پذیرفتن این وضع دردناک از خود نشان داده‌اید و تلاش شما در جهت کمک به شوهرتان بسیار درخور تقدیر و تحسین است. بیت العدل اعظم از اینکه اظهار داشته‌اید شوهرتان با شما بدرفتاری می‌کند و ممکن است این رفتار به خشونت و ضرب و شتم جسمانی منجر گردد ابراز نگرانی نموده‌اند. از تعالیم

بهائی به وضوح استنباط می‌شود که شوهر به هیچ وجه نباید همسر خود را مورد آزار و اذیت قرار دهد و چنین عمل ناپسندی با روابط مبتنی بر احترام و تساوی متقابل که در آثار بهائی بر آن تأکید شده است یعنی روابطی که بر اصول مشورت استوار و از توسل به زور برای تحمیل اراده خود به دیگری برکنار است، کاملاً مغایرت دارد. هرچند به احباً توصیه شده که صبور و باگذشت باشند، ولی هیچ کس ملزم و مجبور به تحمل آزار و اذیت نیست. به این ترتیب لازم است که در مقام یافتن راهنمایی‌هایی عملی باشید تا اگر وضع موجود به نحو قابل ملاحظه‌ای وخیم‌تر گردد، بتوانید برای حفظ خود از آسیب، تدابیری اتخاذ نمایید. بیت العدل اعظم عمیقاً امیدوارند که این مشکل به آن مرحله نرسد و شما و شوهرگرامی برای تقویت بنیان ازدواج خود و ایجاد کانونی از اتحاد خالصانه قلبی، بتوانید طرق مؤثری بیابید.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۶ آوریل ۱۹۹۸ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۷۸]

(احباً)

بیت العدل اعظم معتقدند که عدم خوشحالی در ازدواج و در خانواده نشانه‌ای از یک طیف وسیع نقایص در رویه زندگی است که اکثر مردم در این زمان آن را دنبال می‌کنند — نقایصی که تا حدی بیش از آنچه انتظار رود در درون جامعه بهائی منعکس است. توجه بیشتر و صرف وقت بیشتری برای انتخاب همسر تنها یک جنبه راه حل است. بهائیان باید همه هدایات موجود در آثار حضرت بهاء الله راجع به زندگی و رفتار را — از جمله تعالیمی که مخصوصاً به ازدواج و خانواده مربوط می‌شود، عمیق‌تر مطالعه کنند و آنها را صادقانه‌تر به مورد اجرا گذارند.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۸ ژانویه ۱۹۹۹ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۷۹]

(احباً)

تقدّس پیوند ازدواج و اهمّیت وحدت خانواده در تعالیم بهائی به وضوح آمده است و میل شما به رعایت این اصل از طریق پشت‌کار و فداکاری برای حفظ ازدواج‌تان قابل ستایش است. همانطور که حضرت عبدالبهاء به ما می‌فرمایند، زن و شوهر "... دور فیک و انیس هستند که باید در غم یکدیگر باشند". بنا بر این، اگر شوهرتان حاضر است در رفتار خود عقیف و وفادار باشد، بیت العدل اعظم شما را تشویق می‌کنند که او را در اطاعت از احکام حضرت بهاء الله و مسئولیت در قبال خانواده حمایت و یاری کنید. مطالعه جملات ذیل مستخرج از نامه‌ای از جانب حضرت ولیّ محبوب امر الله ممکن است مفید باشد.

در هر شخصی خصایلی موجود است که می‌توانیم آنها را ارج نهمیم و تحسین کنیم و به خاطر آن خصایل او را دوست بداریم اگر شما مصمم شوید که فقط به این خصایل شوهرتان فکر کنید این به

بهبودی وضع کمک خواهد کرد... از افکاری که موجب ناراحتی شما می شود باید بپرهیزید و همواره در دعا از حضرت بهاء الله طلب کمک بنمایید. آن وقت در خواهید یافت که چگونه آن عشق خالصی که خداوند آن را مشتعل می سازد و با مطالعه آثار مبارکه در قلوب می گدازد بیش از هر چیز دیگری موجب گرمی و التیام خواهد شد. (ترجمه)

در عین حال، کمک به شوهرتان و تشویق او نباید وقار یا شرافت شما را به عنوان یک بهائی و یک شریک ازدواج خدشه دار کند. به علاوه، مهم است به یاد داشته باشید که در حالی که شما می توانید سعی کنید به شوهرتان کمک نمایید اما در نهایت اوست که مسئول رشد روحانی خود می باشد.

(ترجمه ای از نامه ۲۹ سپتامبر ۱۹۹۹ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احباب) [۸۰]

با توجه به اهمیت فراوانی که تعالیم بهائی به روابط زناشویی می دهد، روابطی که زوجین بهائی باید به دنبال آن باشند، عمق نگرانی هایی که شما بیان می کنید — و اضطرابی که موقعیت فعلی تان برای شما ایجاد می کند — هر دو به راحتی قابل درک است. بدون شک با این بیان از حضرت عبدالبهاء در این زمینه آشنا هستید:

عقد حقیقی بهائیان اینست که باید بین طرفین روحاً جسماً التیام تام حاصل گردد تا در جمیع عوالم الهی اتحاد ابدی داشته باشند و حیات روحانی یکدیگر را ترقی دهند.

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، شماره ۸۶)

جد و جهد لازم برای رسیدن به چنین هدف والایی، ناگزیر به همان نسبت الگوهای عادت و طرز فکری را که افراد به زندگی زناشویی خود می آورند به چالش می کشد. از این رو، وضعیت شخصی شما اگرچه برای تان در بسیاری از ویژگی هایش شدیداً دردناک است، ولی اساساً تفاوتی با وضعیت دیگر افراد بشر ندارد. ماهیت نزدیکی و انسی که در روابط زناشویی موجود است — و نیاز مبرم به از خودگذشتگی که همیشه لازمه این روابط است — نقاط ضعف مختلف درونی شما را برای تان افشا کرده است، نقاط ضعفی که به احتمال زیاد از طرق دیگری آشکار نمی شد. از آنجایی که این نواقص و معایب می تواند ارزشمندترین پیوندی که یک انسان را به انسان دیگر مرتبط می سازد را به خطر اندازد، این وضعیت را به مراتب شدیدتر و مشکل تر می سازد.

ولی همین رویداد می تواند موهبتی بزرگ هم باشد به شرط اینکه شما بتوانید آن را به این صورت ببینید و بر این اساس به آن پاسخ دهید. از آنجایی که هیچ چیز دیگری نتوانسته است انگیزه تغییر و تحول اساسی در زندگی شما شود بحرانی که توصیف کرده اید این توان را دارد که این کار را بکند. این است آن وسیله ای که در

اغلب مواقع خداوند توسط آن، ما را برای پذیرش اراده خود آماده می‌کند. در بیانی مولای محبوب حضرت عبدالبهاء می‌فرماید:

امتحان از برای صادقان موهبت حضرت یزدانست زیرا شخص شجاع بمیدان امتحان حرب شدید بنهایت سرور و شادمانی بشتابد.... و همچنین ذهب خالص در آتش امتحان با روی شکفته جلوه نماید.... این امتحان همانست که مرقوم نمودید زنگ انانیت را از آئینه دل زائل نماید تا آفتاب حقیقت در آن بدرخشد زیرا هیچ حجابی اعظم از انانیت نیست و هرچند آن حجاب رقیق باشد عاقبت انسان را بکلی محتجب و از فیض ابدی بی نصیب نماید.

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، شماره ۱۵۵)

بیت العدل اعظم تأکید می‌فرمایند که فعلاً کلیه نگرانی‌های کاملاً موجه‌تان در مورد آینده ازدواج خود را به دست حضرت بهاء‌الله بسپارید و تا حد امکان خود را از تمرکز فعلی بر نگرانی‌تان منقطع نمایید تا بتوانید توجه خود را از تصمیم قلب به فرصتی که اکنون در اختیار شماست معطوف دارید تا آن صفات شکوفاننده درونی خود را پرورش دهید که بلوغ کاملش را شرایط زندگی‌تان شدیداً می‌طلبد. مناسب خواهد بود که همسران را هم از تصمیم خود مطلع نمایید و از او بخواهید برای توفیق شما دعا کند.

اینکه شما در زندگی خود به مرحله‌ای رسیده‌اید که می‌توانید صادقانه نزد خود به نقطه ضعف و معایب خویش اعتراف کنید در واقع یک موهبت است. بعد از این اقرار، لازم و مهم است که بر معایب خود تمرکز نکنید، زیرا همانطور که حضرت بهاء‌الله تصریح می‌فرمایند، ”ذلت“ به هیچ وجه برای رشد معنوی مفید نیست. توجه و دعای شما باید کاملاً متمرکز بر قدرت حضرت بهاء‌الله باشد که به شما کمک نماید تا راه‌های جدیدی برای مواجهه با چالش‌های زندگی بیابید.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۴ سپتامبر ۲۰۰۰ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

احباً)

[۸۱]

از مشکلاتی که توصیف کرده‌اید به وضوح مشخص است که نیاز به ارتباط هم‌دلانه و دل‌سوزانه بین شما و شوهرتان وجود دارد. این ارتباط می‌تواند از طریق محبت و احترام متقابل و درک صبورانه حاصل شود. تعالیم بهائی در باره ازدواج نیز بر اهمیت مهربانی، رأفت و شفقت بین زن و شوهر تأکید می‌کند. مشورت وسیله‌ای

فراهم می‌آورد که از طریق آن می‌توان این خصایص را برای فواید عظیم به کار برد و امید چنان است که شما راهی برای انجام چنین مشورت‌هایی با شوهرتان پیدا کنید.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۶ مه ۲۰۰۱ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاء) [۸۲]

بلامانع است که زن و شوهری بدون درخواست شروع سال تربص برای مدتی جدا از هم زندگی کنند. (ترجمه‌ای از نامه مورخ ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۲ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۸۳]

(احبّاء)

اختلاف نظر اغلب در یک ازدواج به وجود می‌آید و می‌باید حلّ و فصل شود تا ازدواج بتواند شکوفا گردد. اعمّ از اینکه طرفین هم‌دین و یا از ادیان مختلف باشند.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۴ اکتبر ۲۰۰۴ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۸۴]

(احبّاء)

از تعالیم بهائی به وضوح میرهن است که هیچ شوهری نباید همسر خود را مورد آزار و اذیت اعمّ از آزار عاطفی و روحی و جسمی قرار دهد. چنین عمل مذمومی با روابط مبتنی بر احترام و تساوی که در آثار بهائی به آن امر شده کاملاً در تضاد خواهد بود، روابطی که می‌بایستی با مشورت توأم و از هرگونه بدرفتاری و از جمله توسّل به زور به منظور تحمیل اراده خود به دیگری مبرّا باشد.

اینکه شما باید شوهرتان را طلاق بدهید یا نه مسئله‌ای است که تماماً به احساسات و قضاوت شخصی شما در این مورد بستگی دارد. در حالی که تعالیم الهی طلاق را مذموم شمرده حفظ پیوند ازدواج را شدیداً تأکید می‌نماید، اما ضرورت طلاق در شرایط فوق‌العاده دشوار را تصدیق می‌کند. یک فرد مؤمن باید امکان طلاق را فقط در صورتی در نظر بگیرد که شرایط غیر قابل تحمل باشد و نسبت به ادامه ازدواج با شریک زندگی خود احساس بی‌زاری شدید داشته باشد.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۱ نوامبر ۲۰۰۴ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۸۵]

(احبّاء)

اشتیاق شما به مشورت با محفل روحانی محلی خود در تلاشی برای یافتن راه حلّی برای مشکلات زناشویی‌تان، نشان‌دهنده این است که مایلید از تمهیدات الهی که حضرت بهاء‌الله برای رسیدگی به امور مربوط

به زندگی اعضای جامعه اهل بهاء مقرر فرموده‌اند بهره‌مند شوید. با این حال اگر همسر شما با این اقدام مخالف است و شما با خواهش و تقاضا نمی‌توانید نظرشان را تغییر دهید، شاید بهترین راه این باشد که سعی کنید تا رویکرد دیگری برای یافتن راه حلی برای این مشکلات بیابید. شاید در بین احبباً افراد با درایتی هستند که همسر شما به قضاوت آنها اعتماد دارد و موافقت خواهد کرد که در مشورت با یک یا دو نفر از آنها به شما ملحق شود؛ یا ایشان ممکن است ترجیح دهد که به یک مشاور حرفه‌ای متخصص در امور ازدواج مراجعه کنید.

در شرایطی از این قبیل، مشورت زوج‌ها با یکدیگر اغلب چالش‌انگیز است اما برطرف نکردن اختلافات جدی برای هر دو طرف امری مضر می‌باشد. بعد از دعا و مناجات ببینید آیا می‌توانید بار دیگر سعی کنید تا احساس عمیق خود را در باره لزوم مشورتی کامل‌تر در باره نکات مورد نظرتان با همسران در میان بگذارید و پیشنهاد ایشان را در باره نحوه یافتن رویکردی برای یک راه حل جویا شوید و بکوشید تا موافقت‌شان را برای مشورت با فرد مناسبی کسب کنید، فردی که احتمالاً ایشان بتوانند توصیه کنند.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۴ نوامبر ۲۰۰۴ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۸۶]

احبباً)

نامه شما سؤالاتی را در باره ادامه ازدواج در شرایطی که زوجی قادر به داشتن فرزند نیستند و در مورد طلاق و ازدواج با همسری دیگر به منظور بچه‌دار شدن مطرح می‌کند. در پاسخ به سؤالات احببای دیگر که قادر به داشتن فرزند نبوده‌اند بیت العدل اعظم تذکر داده‌اند که تعالیم بهائی حاکی از آن است که یک زوج بهائی باید آمادگی بررسی امکان داشتن فرزند و تمایل به آن را داشته باشد؛ با این حال، معلوم است که همه زوج‌ها از نظر جسمانی قادر به داشتن فرزند نیستند. باید به خاطر داشت که اگرچه داشتن فرزند هدف اصلی ازدواج است ولی تنها هدف آن نیست و زوجی که نمی‌توانند صاحب فرزند شوند نباید هیچگونه احساس گناه یا شکست نمایند زیرا می‌توانند با خدمات دیگر به خداوند و به بشریت و با وحدت پایداری که در زندگی زناشویی خود برقرار می‌کنند در زندگی خویش کامیاب شوند.

بیت العدل اعظم تأکید می‌فرمایند که انسان نمی‌تواند عمیقاً به حکمت الهی پی برد. بسیاری از اوقات آنچه آرزوی قلبی فرد است معلوم می‌شود که به مصلحت او نیست و بسیاری از اوقات آنچه که به نظر امتحانی غیر قابل تحمل می‌آید با گذشت زمان راهی به سوی شعفی عظیم می‌گشاید.

شما باید همچنین به خاطر داشته باشید که فرزندخواندگی در تعالیم بهائی عملی بسیار پسندیده تلقی می‌شود. متن زیر از کتاب مستطاب اقدس و نامه‌ای که از طرف حضرت شوقی افندی مرقوم گشته این اصل را تأیید می‌کند.

انّ الذی ربّی ابنه او ابناً من الأبناء کأنّه ربّی احد ابنائی علیه بهائی و عنایتی و رحمتی الّتی سبقت العالمین.

(کتاب اقدس، بند ۴۸)

وصول مکتوب مورّخ ۲۶ مه و اطلاع از اینکه کودکانی را به فرزندی پذیرفته‌اید موجب خشنودی حضرت شوقی افندی گردید. این حقیقتاً یک اقدام بهائی است علی‌الخصوص که همواره مورد تأیید و تمجید حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء بوده است. حضرت ولی‌ام‌الله امیدوارند که این اطفال نشو و نما نمایند و بهائیان خدومی گردند و از این طریق سخاوت‌مندی کریمانه شما را پاداش دهند. (ترجمه)

(ترجمه‌ای از نامه ۲۰ ژوئن ۱۹۳۱ خطاب به یکی از احبّاً)

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۵ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۸۷]

احبّاً)

همچنین موجب خرسندی است که از مرقومه شما استنباط می‌شود که هر دوی شما برای حمایت و مشاوره به محفل روحانی محلی خود مراجعه کرده‌اید و توصیه‌های سنجیده ارائه شده پیروی نمایید. ما همواره باید به خاطر داشته باشیم که تنها با مطالعه و درک عمیق آثار جمال مبارک و تلاش روزانه برای به مرحله عمل درآوردن تعالیم مبارکش به واقعیت می‌توانیم به درک بیشتری از آنچه مشیت الهی برای ما مقدر داشته نائل آییم و هدف خود را در زندگی تحقّق بخشیم. بردباری، صبر، پشت‌کار، مشورت کامل و محبت همانا به هر دوی شما در مواجهه با چالش‌هایی که در ازدواج‌تان پیش می‌آید کمک خواهد کرد.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۶ آوریل ۲۰۰۶ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۸۸]

احبّاً)

اگرچه یک عمل خاص گاهی ممکن است موجب تسریع فروپاشی یک زندگی زناشویی شود اما اغلب نتیجه سلسله‌ای از رویدادها طی یک دوره طولانی است که باعث فرسایش اعتماد و اطمینان بین طرفین ازدواج می‌شود. بنا بر این در شناسایی علت طلاق یا در نسبت دادن مسئولیت آن به طور انحصاری به یکی از طرفین،

باید احتیاط و خویشتن‌داری را رعایت نمود. بلکه در عوض تلاش باید به نحوی سازنده‌تر به عمل آید تا اطمینان حاصل گردد که سعی لازم در جهت سازش می‌تواند مؤثر واقع شود. در صورتی که این امر امکان‌پذیر نباشد باید آگاه بود که در تعالیم بهائی طلاق مجاز است و تمهیداتی برای آن در نظر گرفته شده است.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۲ دسامبر ۲۰۰۶ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۸۹]

(احباً)

بیت العدل اعظم نامه مورخ ... شما را دریافت کرده‌اند که ضمن آن جويا شده‌اید که آیا آثار بهائی به این نکته اشاره می‌کند که یک فرد بهائی باید از وضعیتی که در آن زنا و خیانت واقع شده فرارود تا زندگی زناشویی خود را حفظ نماید؟ مقرر فرمودند به شرح ذیل مرقوم گردد.

در آثار هیاکل مقدسه دیانت بهائی یا در نامه‌ای به قلم یا از جانب حضرت شوقی افندی تا کنون نوشته‌ای یافت نشده که به طور خاص سؤال شما را پاسخ بدهد. ولی همانطور که احتمالاً مطلع هستید بر طبق قوانین بهائی، طلاق در صورت بروز کراهت یا کدورت از طرف هر یک از زوجین مجاز است. در این خصوص بیت العدل اعظم متذکر شده‌اند که "علل زیادی برای بروز چنین حالتی بین زوجین وجود دارد که از جمله خیانت یکی از طرفین ازدواج است. همچنین ممکن است اگر خیانتی رخ دهد، ترکیبی از پشیمانی و ندامت از ناحیه طرف خاطی و بخشش و بزرگواری از طرف دیگر بتواند منجر به شرایطی شود که در آن ازدواج حفظ گردد و از طلاق جلوگیری شود."

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۷ دسامبر ۲۰۱۶ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۹۰]

(احباً)

در خصوص سؤال کلی تر شما در مورد اینکه زوج‌های بهائی چگونه باید با مشکلات جنسی رویارویی نمایند، توصیه می‌شود به نظرات و اصول زیر توجه کنید. یکی از پیامدهای طغیان سیل مادی‌گرایی و نتیجتاً تغییر جهت اجتماع طی بیش از یک قرن، تأکیدی مخرب بر تمایلات جنسی بوده است. تمایلات جنسی به یک مشغله فکری تبدیل شده که تجارت، رسانه‌ها، هنر و فرهنگ عامه را فراگرفته، بر رشته‌هایی مانند پزشکی، روان‌شناسی و آموزش و پرورش اثر گذاشته و انسان را به یک شیء تقلیل داده است. تمایلات جنسی دیگر تنها بخشی از زندگی نیست بلکه به عنصر تعریف‌کننده هویت فردی تبدیل شده است. بدین ترتیب تمدن ما روابط جنسی و تمایلات جنسی را به سطحی به مراتب پراهمیت‌تر از جایگاه درستش در زندگی ما ارتقا داده است. روابط جنسی نیز از چارچوب صحیح خود خارج شده است. از یک سو، فرهنگ کنونی ما هر جنبه‌ای از زندگی

ما را با روابط جنسی آکنده نموده اما از سوی دیگر، عمل روابط جنسی را از پیوندهای طبیعی آن با زندگی زناشویی و تولید و تربیت فرزندان جدا کرده است.

شما آگاه هستید که دیانت بهائی ارزش انگیزه جنسی را تصدیق می نماید و معتقد است که نهاد ازدواج برای استفاده صحیح از آن به وجود آمده است. در نامه هایی که از جانب حضرت شوقی افندی نوشته شده چنین آمده است ”غریزه جنسی مانند دیگر غرایز بشری لزوماً شیطانی نیست بلکه نیرویی است که اگر به نحو صحیح هدایت گردد می تواند شادی و رضایت فرد را به همراه آورد.“ همچنین، موازین بهائی ”با داشتن یک زندگی جنسی عادی از طریق مشروع آن یعنی ازدواج مغایرتی ندارد.“ در رابطه با اهمیت که باید برای جنبه جسمانی ازدواج در مقایسه با جنبه های اخلاقی و روحانی آن قائل شد، در نامه ای که از جانب حضرت ولی امرالله نوشته شده چنین آمده است:

نهاد ازدواج چنانکه حضرت بهاءالله مقرر فرموده اند در عین حال که برای جنبه جسمانی پیوند زناشویی اهمیت لازم را قائل است آن را نسبت به مقاصد اخلاقی و روحانی و نقشی که از طرف خداوند دانا و مهربان برای آن منظور گردیده است فرعی می شمرد. تنها هنگامی که به هر یک از این جنبه های مختلف اهمیت لازم داده شود و جنبه اخلاقی بر مادی و جنبه روحانی بر جسمانی اولویت یابد می توان از چنین افراط و بی بندوباری ها در روابط زناشویی که عصر منحط ما به نحو اسف باری شاهد آن است جلوگیری نمود و پاکی اصلی زندگی خانوادگی را به آن بازگرداند و هدف حقیقی از ایجاد این نهاد الهی را تحقق بخشید.

قابل درک است که احباً تحت تأثیر نیروهای اجتماع از جمله باورهای معاصر در مورد شیوه های جنبه جسمانی قرار گیرند. با درک عمیق تری از اصول مطروحه در تعالیم بهائی مؤمنین قادر خواهند بود دیدگاهی متعادل تر و سالم تر نسبت به روابط جنسی در ازدواج پیدا کنند. داشتن این دیدگاه به خودی خود به زوج های بهائی کمک خواهد کرد تا از بسیاری از مشکلات در جهانی که تأکید بیش از حد و دیدگاهی منحرف از جنبه جسمانی دارد، اجتناب کنند یا آنها را حل نمایند. البته، برخی از مشکلات جنسی می تواند جنبه پزشکی داشته باشد و در چنین مواردی قطعاً باید از بهترین کمک های پزشکی بهره گرفت. علاوه بر این، در نامه ای از جانب حضرت شوقی افندی چنین آمده است ”روابط جنسی موضوعی بسیار شخصی است،“ و ”بعضی افراد طبیعتاً پرشورتر از دیگرانند.“ (ترجمه)

(ترجمه ای از نامه مورخ ۱۷ آوریل ۲۰۱۷ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

نامه مورخ... شما توسط بیت العدل اعظم دریافت شد. در نامه خود درخواست راهنمایی و دعا در ارتباط با زندگی زناشویی خود نموده‌اید که طبق اظهار شما تحت تأثیر مشکل مصرف مواد مخدر از طرف شوهرتان قرار گرفته است....

در مورد این سؤال که آیا نقض یکی از احکام بهائی که منجر به فروپاشی یک ازدواج گردد دلیلی قابل توجیه برای طلاق می‌شود، در آثار بهائی هیچ دلیل یا اساس خاصی برای طلاق آنطور که در برخی مجموعه قوانین مدنی یافت می‌شود وجود ندارد. از یک بهائی انتظار می‌رود که برای حفظ ازدواج خود سعی بلیغ مبذول دارد اما طلاق در احکام بهائی جایز است و در برخی مواقع ممکن است تنها راه حل باشد. یک بهائی باید فقط در صورتی امکان طلاق را در نظر بگیرد که وضعیتی غیر قابل تحمل باشد و او از زندگی با همسرش احساس بی‌زاری شدید نماید. اینکه آیا وضعیتی شما وضعیتی است که شما احساس می‌کنید درخواست‌تان برای طلاق قابل توجیه است تصمیمی است که فقط شما می‌توانید با دعا و تأمل و با در نظر گرفتن عوامل مربوطه اتخاذ نمایید.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۶ دسامبر ۲۰۱۷ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از

[۹۲]

(احباً)

ادعیه و مناجات

الحمد لله الذي نور العالم بنير لاج و اشرق من فجر الظهور في افق سماء بيان الرحمن و بذلك غردت حمامة البهاء على عمود النور في الفردوس الاعلى تالله قد اتى مكلم الطور و ظهر رب النار في سدره الوجود و ينطق انه لا اله الا انا الفرد الواحد العليم الخبير و الحمد لله الذي زين سماء المحبة بانجم الاتحاد و الاتفاق و جعل سبب الاعظم لظهور ما اراد بين الامم حكم الاقتران في الامكان و انه عمر الممالك و البلدان و اظهر الصنائع و ما ترونه اليوم و سمعتموه من قبل من عباده الحكماء تعالي مولى الاسماء الذي حكم بالتزويج لراحة عباده و خلقه و سکونهم و اطمينانهم في مملكته و بذلك انزل من ملكوته المقدس في كتابه الاقدس و في كتبه و صحفه من قبل و من بعد انه لهو المقتدر على ما اراد و هو الفرد الواحد المختار....

ای رب اسئلك بنسائم فجر ظهورک التي بها احييت الكائنات و بامطار سماء فضلك و لثالی بحر علمک و حکمتک بان تؤيد الذي اقبل اليک و اظهرت له فضلك و عنایتک و وهبته امة من اماتک التي کانت قائمة على خدمتک في سنين معدودات اظهاراً لوجودک و ابرازاً لفضلك ای رب الف بينهما باسمک الذي به

سَخَّرت القلوب و اجتذبت النفوس انك انت المقتدر على ما تشاء و في قبضتك زمام من في السموات و الارضين و الحمد لك يا اله العالمين و مقصود العارفين.

[۹۳]

(از الواح حضرت بهاء الله)

هو الله

ای خداوند بی مانند بحکمت کبرایت اقتران در بین اقراں مقدر فرمودی تا سلالة انسان در عالم امکان تسلسل یابد و همواره تا جهان باقی بعبودیت و عبادت و پرستش و ستایش و نیایش درگاه احدیت مشغول و مألوف گردند و ما خلقت الجنّ و الانس الا ليعبدون^۶ حال این دو مرغ آشیانه محبت را در ملکوت رحمانیت عقد اقتران ببند و وسیله حصول فیض جاودان فرما تا از اجتماع آن دو بحر محبت موج الفت برخیزد و لثالی سلالة نجیة مقدسه بر ساحل وجود ریزد مرج البحرين يلتقيان بینهما برزخ لا یبقیان فبائ آلاء ربکما تکذبان یخرج منهما اللؤلؤ و المرجان^۷ ای خداوند مهربان این اقترانرا اسباب تولید دُر و مرجان فرما انک انت المقتدر العزیز الغفور.

[۹۴]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

الهی الهی هذان القمران قد اقترنا فی حبک و اتحدنا فی عبودیة عتبه تقدیسک و اتفقا علی خدمة امرک فاجعل هذا الاقتران تجلیاً من فیوضاتک یا ربی الرحمن و اشراقاً من انوار موهبتک یا کریم یا منان حتی یتفرع هذه الدوحة بفروع خضلة نضلة ریانة بفیض سحاب موهبتک.

انک انت الکریم انک انت العظیم انک انت الرحمن الرحیم.

[۹۵]

(حضرت عبدالبهاء، منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، شماره ۸۷)

ربّ ربّ و قق بینهما و ثبت اقدامهما علی الحبّ الابدی و الارتباط السرمدی حتی یكون کلّ واحد منهما للآخر موهبة من مواهبک و جوداً من الطافک و رحمة من ملکوت فضلک و ارزقهما سلالة طیبة طاهرة قائمة

^۶ قرآن مجید ۵۶: ۵۱.^۷ قرآن مجید ۲۲-۱۹: ۵۵.

على عبوديتك مستمرة على عبادتك مشتاقاً لملكوتك مستنبئة من نباك العظيم انك انت الكريم وانك انت الرحمن الرحيم.

[٩٦]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

الحمد لله الذي زين الحقيقة الانسانية بآيات باهرة حبيبة رحمانية و اشرق على الكينونات الموجودة بنور الانجذاب فغدت مؤتلفة مؤانسة متجاذبة بقوة روحانية فكان الجمع والترتيب و الازدواج و الامتزاج و التأليف و التركيب سبباً للحيات الموجودة ثم كان التحليل و التفريق و التشتيت و التظليق و التفصيل علة للممات و انعدام الكائنات و ما خلق الله من موجود آلا و هو مشروط الوجود بالتأليف و التمزيج و التركيب بين العناصر البسيطة الاولية و ما قدر الله من فناء و من موت و انعدام الآ مسبب من التحليل و التفصيل و التفريق و التشتيت بين الاجزاء التركيبية الاصلية متى اجتمعت الطبايع و العناصر اختلفت و ازدوجت و امتزجت فتحقق و تكون و تدوت كائن حي او موجود متحقق من الكائنات و اذا تحلل و تفرق و تفصل قد تشتت و هبط و سقط عن درجة وجودية بين الموجودات.

ولهذا جعل الله الائتلاف سبباً للحيات و الاختلاف علة للممات و قدر الازدواج و الامتزاج و الانجذاب بين قلوب الاحباء و الاماء بعقد النكاح ليكون سبباً للفلاح و النجاح للاجسام و الارواح سبحانه الذي خلق الأزواج كلها مما تنبت الارض و من انفسهم و مما لا يعقلون^٨ و هذا من فضله و جوده و موهبته على عباده المخلصين.

و نسئل الله ان يجعل هذا الاقتران سبباً لليمن و الاقبال و العزة و الاجلال و العلو و الاستقلال حتى يبث منهما نفوساً كثيرة يعبدون الله و يسجدون له و يخلصون له الدين و يقومون على عبوديته و الخدمة لعالم الانسان انه كريم رحمن.

الهي الهي بارك على هذين المتعاقدين عبدك و امتك المؤمنين بفردانيتك و المعترفين بوحدانيتك و المنجذبين الى ملكوتك و قدر لهما كل خير و اجعل اقترانهما علواً و عزاً و كمالاً و نوراً و رحمة الى ابد الآباد انك انت الكريم الرحيم اللطيف بالاماء و العباد.

[٩٧]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

رب و رجائي قد قدرت بحكمتك البالغة الالفة بين خلقتك و الانس بين البرايا من عبادك قد خلقت كل شئ زوجين اثنين حتى بهذا الالتيام يحصل المرام و بهذا الارتباط يحدث الانبساط فبفضلك و جودك قد

^٨ قرآن مجيد ٣٦:٣٦.

ألفت بين القلوب والارواح حتى يلوح وجوه بنور محبتك كالمصباح وتقوم الافراح بين خلقك في كل مساء و صباح....

ربّ اجعلهما جسداً واحداً وروحاً واحداً وقلباً واحداً يمتزجان امتزاج الماء بالراح والشهد باللبن المصفى وقدّر كلّ بركة في سلالتهما واحسن مثوهما واجعلهما آيتين باهرتين تبهران من افق المحبة والوداد انك انت المؤلف المقدر المحبب الكريم الرحيم.

[۹۸]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

ربّ اجعل هذا الاقتران متيمناً ومسعوداً ومباركاً ومحموداً وقوّ الروابط والالتيام بينهما حتى يعيشا بكلّ راحة وهناء ويؤسسا عائلة مبتهلة اليك مؤمنة بك وبآياتك انك انت الكريم انك انت العظيم انك انت القويّ القدير.

[۹۹]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

هو الابهي

ای دو مرغ آمیخته آموخته حمد کنید خدا را که در ریاض الهی در شجره امید در یک لانه آشیانه نمودید و به تسبیح و تقدیس خداوند یگانه مألوف و مشغولید پس از حنجر روحانی باین ترانه آغاز محامد و نعوت نمائید که

ای پروردگار مرغان زاریم ولی در پناه تو آشیانه نمودیم طیور خاکساریم ولی اوکار اقتدار جوئیم و بی پرو بالیم ولی اوج عظیم طلیم و رفرف اعلی آرزو نمائیم پس عنایتی مبدول فرما و قوتی ببخش تا جناح فلاح برویانیم و در این فضای غیر متناهی آغاز پرواز کنیم و بملکوت ابهات دمساز گردیم و از الفت این دو پرندۀ بی پروا جوقی از مرغان چمنستان حقیقت در بر وحدت موجود شوند و پرواز نمایند.

و علیکما التّحیة والتّناء.

[۱۰۰]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

هو الابهي

الهي الهى هذا عبدك الذى نسبته الى شجرة رحمانيتك وولده فى ظلّ فردانيتك وارضعته من ثدى
عنايتك وانشئته فى حجر رعايتك وارشده الى سبيل الرشد حتى بلغ اشده بفضلك وجودك فى صون
حمايتك وهديته الى الصراط المستقيم والمنهج القويم متمسكاً بالعروة الوثقى والحبل المتين حتى يطلب
رضائك ويرضى بقضائك ويتوجه الى سمائك وينطق بثنائك ويظهر من شيم المقربين و اخلاق المخلصين
بين عبادك.

ثم وهبته بهذا الاثنا امة من الاماء وقرنته بها بفضلك الذى لا يتناهى ربّ انها كانت يتيمة نشئت فى
ظلّ رحمانيتك وتربت فى حضن جودك والطافك وادركت فى حجر ميثاقك وكانت ملحوظة بعين عنايتك
تحت لحاظ رحمانيتك.

اي ربّ وفق بينهما بفضلك و ألف بين قلوبهما بجودك حتى يكونا جسماً واحداً وروحاً واحداً وهيكلاً
واحداً لا يشوبهما جفاء و ملال ويزيدا كلّ يوم وفاء و صفاء و وفقهما على عبودية عبتك المقدسة الطيبة الطاهرة
الواسعة الارحاء و ارزقهما من النعماء والآلاء و احفظهما من كل آفة و بلاء و عاهة و عناء انك انت الكريم العزيز
الوهاب و انك انت الفضال الرحمن المستعان.

[١٠١]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

ربّ ورجائى قد اقترن عبدك هذا بامة من امائك اطاعة لامرك اجراءً لاحكامك حتى يؤسساً عائلة فى
ارضك تذكرك بين خلقتك و تنادى باسمك بين بريتك و تشتهر فى الآفاق بنسبتها اليك و توكلها عليك ربّ
اجعل هذا الاقتران متمناً و مباركاً و محبوباً و مسعوداً سبباً للالفة و الوداد الى ابد الآباد انك تؤيد من تشاء على
ما تشاء و انك انت القوي العزيز القدير.

[١٠٢]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

اي ربّ اجعل هذا الاقتران مباركاً متمناً مسعوداً و ألف بينهما و قرّاعين الكلّ باثمار تترتب على هذا الامر
الكريم و احفظهما فى كهف حفظك و حراستك و احرسهما بعين عنايتك و اجعلهما آيتى ذكرك بين خلقتك و
سراجى عرفانك فى زجاجة احسانك.

ای ربّ انّهما ضعیفان قوّهما بقدرتک و ذلیلان عزّزهما بقوّتک و متضرّعان بباب احدیتک و مبتهلان فی عتبه رحمانیتک انّک انت المقتدر العزیز الکریم الرّحیم الرّحمن.

[۱۰۳]

(از الواح حضرت عبدالبهاء،)

اللّهمّ اجعل هذا الاقتران مبارکاً مسعوداً و انزل علیهما رحمتک حتّی ینبثّ منهما اطفال انجاب یتوجّهوا الی ملکوت الجمال و یدکروک بالقلب و اللّسان فی عالم الاکوان و یطلّعوا باسرارک المودعة فی الصّدور و الجنان انّک انت المؤلّف المقرّن الموصّل بین نوع الانسان و انّک انت الکریم الرّحیم المّنّان.

[۱۰۴]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

ای خداوند این اقترانرا سبب برکت آسمانی کن و اسباب اشتعال بنار محبّتت در ملکوت جاودانی فیضی عطا نما که هر دو در عتبه مقدّسه ات مقرب گردند و بر محبّتت ثابت مانند و روز بروز در مقامات روحانیّه ترقّی نمایند و در بین خلق دو آیت باهره ایمان و ایقان شوند.

[۱۰۵]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)